



فصلنامه علمی پژوهشی اخلاق پژوهی

سال هفتم • شماره سوم • پاییز ۱۴۰۳

Quarterly Journal of Moral Studies
Vol. 7, No. 3, Autumn 2024



راهبردهای مواجهه با چالش‌های اخلاقی

در مشاوره و روان‌درمانی

نفیسه حسینی بیوکی* | کیومرث فرحبخش** | حسین سلیمی بجزستانی*** | معصومه اسمعیلی****

doi 10.22034/ethics.2024.51488.1694

چکیده

در این تحقیق، راهبردهای مواجهه با چالش‌های اخلاقی در مشاوره و روان‌درمانی را از دید مشاوران بررسی شده است. روش‌شناسی این پژوهش کیفی و با رویکرد پدیدارشناختی بوده است. جامعه مورد پژوهش نیز مشاورانی بوده‌اند که دست‌کم پنج سال سابقه مشاوره با حداقل مدرک کارشناسی ارشد داشتند. از روش نمونه‌گیری نظری و هدفمند برای انتخاب نمونه پژوهش استفاده شد. داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته با ۲۰ مشاور در گرایش‌های متفاوت به دست آمد. تحلیل داده‌های گردآوری‌شده به روش کلاسیک انجام شد. بعد از تحلیل داده‌ها ۴۷ مضمون فرعی، ۵ مضمون اصلی شامل (منابع کمک‌کننده بیرونی، منابع کمک‌کننده درونی، عوامل کنترل‌گر درونی، عوامل کنترل‌گر بیرونی، و تشخیص تعارضات) به دست آمد. نتایج یافته‌های پژوهش، شامل راهبردهایی است که مشاوران در هنگام روبرو شدن با چالش‌های اخلاقی، راه‌گشا می‌دانستند و می‌تواند برای حل چالش‌های اخلاقی این گروه مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها

چالش اخلاقی، راهبرد، روان‌درمانی، مشاوره.

* دانشجوی دکتری تخصصی، گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. | nafiseh_hosseni@atu.ac.ir

** دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) | farahbakhsh@atu.ac.ir

*** دانشیار، گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. | H.salimi.b@gmail.com

**** استاد گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. | m.esmaeili@atu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۲۶ □ تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۹/۲۱

■ حسینی بیوکی، نفیسه؛ فرحبخش، کیومرث؛ سلیمی بجزستانی، حسین؛ اسمعیلی، معصومه. (۱۴۰۳). راهبردهای مواجهه با چالش‌های اخلاقی در مشاوره و روان‌درمانی. فصلنامه اخلاق پژوهی. ۷(۲۴). ۱۴۲-۱۰۹. doi: 10.22034/ethics.2024.51488.1694

«اخلاق» بخش جدایی ناپذیر زندگی انسانی است (فانیدی، امیری و واجاری، ۱۳۹۲) و اخلاق‌مند کردن انسان‌ها راه صلاح و فلاح جامعه است (آرین‌پور و محرابی، ۱۳۹۴). تأکید تئوری‌های جدید بر اخلاق ممکن است به دلیل بروز رفتارهای غیراخلاقی در فرایند تصمیم‌گیری اخلاقی باشد (بنی‌هاشمی و عزیزاده، ۱۳۹۶). صرف دعوت از افراد به اخلاقی عمل کردن، آنان را متخلق نمی‌کند. فرد باید چگونگی رعایت آن را نیز بداند (حیدری و زارعی، ۱۳۹۲). مشاوره یکی از حرفه‌های مبتنی بر اخلاق است و مشاور در اسلام از جایگاه والایی برخوردار است، ولی چنین جایگاهی را برای مشاوره که به مسائل اخلاقی پای‌بند است قائل شده است (امامی، ۱۳۹۱). سنجش اخلاق‌مندی درمانگر به عنوان ضرورتی فنی پیوسته امری ضروری است (آذربایجانی و صدرالخطابی، ۱۴۰۰). در بسیاری از حرفه‌ها، اصول و استانداردهای اخلاقی گوناگونی با عنوان کدهای اخلاق حرفه‌ای تدوین شده که باید توسط همگی افراد سازمان رعایت شود (خاکی، اسماعیل‌پور و مشعوف، ۱۳۹۵). علم اخلاق حرفه‌ای با ارائه اصول و کدهای اخلاقی مناسب در روابط اجتماعی، حرفه‌ای، سیاسی و...، نظم و هماهنگی لازم را در رفتار ارتباطی حاصل می‌کند (وحیدی، شفارودی و جولایی، ۱۳۹۸).

مشاوره و روان‌درمانی به درمانگرانی نیاز دارد که پای‌بند به اصول اخلاق حرفه‌ای بوده و از صلاحیت نظری و عملی مطلوبی برخوردار باشند (شفیع‌آبادی، ۱۳۹۴) و اصلی‌ترین وظیفه یک اندیشمند اخلاق حرفه‌ای، حل و فصل تعارضات و چالش‌های اخلاقی است (Chadwick, 2009). چالش‌های اخلاقی بخش اجتناب‌ناپذیر حرفه‌روان‌شناسی به حساب می‌آید و روان‌شناسان در حوزه‌های مختلف هر یک به نحوی با آنها مواجه‌اند (دوران، مجدیان و میرزایی، ۱۳۹۱). معضل اخلاقی ناظر به مشکلاتی است که هیچ‌گزینه‌ای برای آن کاملاً رضایت‌بخش به نظر نمی‌رسد؛ چون دلایل خوب، اما مغایری وجود دارد که به اقدام‌های ناهماهنگ و متضادی می‌انجامد. چالش‌های اخلاقی به دو دسته تقسیم می‌شوند: (۱) چالش‌های عملی که ناظر به انحرافات اخلاقی است که در مقام عمل پدید آمده‌اند؛ (۲) چالش‌های نظری که ناظر به ابهامی است که فاعل اخلاقی نسبت به حکم دارد و نمی‌داند وظیفه او چیست (بهرامی و فرامرز قراملکی، ۱۳۹۱). تجربیات ما پر از تعارضات و تنگناهای داوریناپذیر اخلاقی است؛ زیرا گزینه‌های ما همیشه بین یک امر خوب یا بد، ساده و روشن نیست، بلکه انتخاب بین خوب و خوب یا دو بد یا دو چیز کمتر بد است که داور در مورد آنها آسان نیست (فرامرز قراملکی، ۱۳۹۳). مسائل اخلاقی و رفتار حرفه‌ای برای اکثر روان‌شناسان یک نگرانی است و فشارهای سنگینی بر آنها



وارد می‌کند. پیچیدگی‌های حرفه‌های فناورانه، به دلیل تعاملات عاطفی و انسانی موجود در آن، معضلات و دوراهی‌هایی را ایجاد می‌کند که ممکن است تصمیم‌گیری در مورد انتخاب یکی از دوره، راحت نباشد. نظام‌نامه‌های اخلاقی معمولاً راه حل چنین دوراهی‌هایی را ارائه نمی‌دهند یا نمی‌توانند ارائه دهند. گزارش‌های موجود در دادگاه‌ها نشانگر حساسیت ویژه این حرفه است (سالاری‌فر، ۱۴۰۱). در حقیقت، چالش اخلاقی موقعیتی است که فاعل در مقام عمل به وظیفه اخلاقی خود، با پدیده‌ای مواجه می‌شود که تشخیص وظیفه اخلاقی او را دشوار می‌کند. این دشواری در تصمیم‌گیری می‌تواند به دلیل وجود یک وظیفه اخلاقی متعارض و یا معیارهای دیگر همچون باورهای عرفی و الزامات قانونی باشد که تصمیم‌گیری در این موقعیت را دشوار می‌کند. در چنین موقعیت‌هایی، تشخیص وظیفه سهل و آسان نیست؛ زیرا چیزی که به یک دلیل درست به نظر می‌رسد، به دلیل دیگر نادرست است. بلا تکلیفی اخلاقی، نتیجه طبیعی چنین وضعیتی است و از جمله مهم‌ترین موانع تصمیم‌گیری و عملکرد اخلاقی است (بهرامی، ۱۳۹۱، ص ۳۶).

پژوهش‌ها و مطالعات پیشین نشان می‌دهد که مشاوران روزانه با چالش‌های اخلاقی متعددی سروکار دارند و نیاز به راهبردهایی برای حل آن دارند. دوران، مجدیان و میرزایی (۱۳۹۱) در پژوهش خود به بررسی چالش‌های اخلاقی روان‌شناسان نظامی به شناسایی چالش‌های اخلاقی در میان روان‌شناسان نظامی پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد رازداری، دوگانگی ارزش‌ها، صلاحیت و روابط دوگانه به ترتیب عمده‌ترین چالش‌های اخلاقی مطرح شده در پژوهش هستند. تحقیقی با عنوان ادراک مشاوران از اخلاق، ملاحظاتی برای ادغام علوم اعصاب با مشاوره که توسط لوک^۱ و همکاران (۲۰۲۰) انجام شد. محققان یک تداوم نگرانی از عدم نگرانی تا نگرانی جدی را شناسایی کردند. افزون بر این، آنها چهار مشکل اخلاقی مشخص را شناسایی کردند: الف) عصب‌شناسی با هویت مشاور ما همسو نیست؛ ب) علم اعصاب خارج از دامنه عمل مشاوره؛ ج) چالش‌های عصب‌شناختی و ماهیت تحقیقات علوم اعصاب و د) احتمال آسیب رساندن به مراجعان. همچنین شریف‌زاده (۱۴۰۲) در پژوهشی تحت عنوان «اخلاق راهنمایی پژوهش؛ چالش‌ها و کدهای اخلاقی راهنمایی پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها در ایران» به شناسایی چالش‌های اخلاقی راهنمایی رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها و تدوین کدهای اخلاقی متناسب با این چالش‌ها پرداخت. فرایند رسیدن به این هدف دارای چهار گام (تعیین اصول اخلاقی، استخراج چالش‌های اخلاقی، بررسی ارتباط چالش‌ها با زمینه دانشگاهی ایران و



1. Luke

تدوین کدهای اخلاقی راهنمایی رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها) است.

به علاوه در تحقیقی دیگر که به طراحی توصیفی تصمیم‌گیری در چالش‌های اخلاقی در مدیریت با تأکید بر اخلاق کاربردی انجامید، چهار نوع چالش اخلاقی شناسایی شده که از ترکیب دو عامل دشواری در مقابل آسانی و پیچیدگی در مقابل سادگی به دست آمد و یافته‌های تحقیق نشان داد مشکل بودن تصمیم‌گیری در چالش‌های اخلاقی بیش از آنکه به دشواری یا آسان بودن تصمیم‌گیری بستگی داشته باشد از پیچیدگی یا سادگی در شناخت تصمیم درست ناشی می‌شود و دشواری تصمیم‌گیری ناشی از به خطر افتادن منافع فردی تصمیم‌گیرنده است (باقی‌فرد و توکلی، ۱۴۰۲). همچنین سالاری‌فر (۱۴۰۱) در پژوهشی چالش‌های اخلاقی مشاوره و راه‌های حل آن را بررسی می‌کند. چالش اخلاقی مشاوره؛ موقعیتی بالینی است که هیچ گزینه‌ای برای آن رضایت‌بخش به نظر نمی‌رسد و مشاور به عنوان فاعل اخلاقی هم‌زمان دو یا چند وظیفه اخلاقی نسبت به مراجع دارد که هر کدام به تنهایی وظیفه اوست، ولی به دلیل هم‌زمانی نمی‌تواند همه آنها را انجام دهد. همچنین از آنجا که مشاور با رفتار مراجع سر و کار دارد، در فرهنگ اسلامی ایران باید توصیه‌های رفتاری - از جمله حل چالش اخلاقی در چارچوب فقهی - ارائه گردد. بر اساس یافته‌های تحقیق؛ حل یک چالش اخلاقی در مشاوره، شامل شش گام است. این روش برای حل ده نوع چالش اخلاقی در مشاوره به کار گرفته شد.

شناخت مهم‌ترین چالش‌های اخلاقی پیش‌روی مشاوران، شناخت علل ناتوانی در اتخاذ تصمیمات اخلاقی در شرایط حساس و ارائه راهکارهایی جهت رعایت هر چه بیشتر اخلاق با توجه به شرایط ایران، از مهم‌ترین علل انجام پژوهش‌هایی در زمینه چالش‌های اخلاقی در حرفه روان‌درمانی و مشاوره است. مشاوران هر روز با مشکلات و چالش‌های اخلاقی مواجه می‌شوند که برای روبرو شدن با آن به راهبردهایی نیاز دارند. از این‌رو، در این پژوهش به راهبردهایی که مشاوران در مواجهه با چالش‌های اخلاقی از آن بهره برده‌اند، پرداخته می‌شود و در طی مصاحبه صورت گرفته ابتدا از مشاوران وجود چالش‌های اخلاقی پرسیده شده و بعد از تأیید و بیان آنها، راهبردهای مورد استفاده این افراد در هنگام روبرو شدن با این چالش‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

در نهایت، مسئله پژوهش این‌گونه تکمیل شد: مشاوران و روان‌درمانگران از چه راهبردهایی در مواجهه با چالش‌های اخلاقی در مشاوره و روان‌درمانی استفاده می‌کنند؟ تجارب مشاوران و همچنین راهبردهای مورد استفاده می‌توانند به عنوان ابزاری برای برون‌رفت از چالش‌های اخلاقی باشد و به‌رغم یافته‌های پژوهشی اندک پیرامون چالش‌های مشاوران، باید اذعان داشت که

متأسفانه تحقیقات انجام گرفته راهبردهای مورد استفاده این گروه را بررسی نکردند و حتی می‌توان گفت تحقیق جامعی در این زمینه صورت نپذیرفته است که این پژوهش بر آن است تا زمینه را برای شناسایی آنها فراهم کند.

روش شناسی

بعضی از سؤالات در پژوهش تنها به وسیله روش کیفی پاسخ داده می‌شوند مانند این که تجربه زیسته افراد از یک پدیده چگونه است. روش پژوهش حاضر کیفی و با رویکرد پدیدارشناسی چارچوب کلایزی^۱ بود. این رویکرد با توجه به اصول هستی‌شناختی خود تا حد امکان بر تجربه‌های دست اول یا تجربه زیسته متمرکز شده و از پرداختن به موضوعات ثانویه خودداری می‌نماید (محمّدپور، ۱۳۹۲). روش نمونه‌گیری، از نوع غیر تصادفی و به روش نمونه‌گیری هدفمند است. در روش نمونه‌گیری هدفمند، افرادی می‌توانند در پژوهش شرکت کنند که موضوع مورد بررسی پژوهش، محور تجربه آنها باشد. جامعه مورد پژوهش را مشاورانی که در حوزه‌های مختلف در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۳ فعالیت می‌کردند و تخصص داشتند؛ لازم به ذکر است از آنجا که پژوهش حاضر به دنبال یافتن راهبردهای موراستفاده مشاوران در چالش‌های اخلاقی بوده است، حوزه‌ای خاصی مد نظر نبوده و ملاک حوزه‌های مختلف مشاوره و روان‌درمانی در راستای تنوع بخشیدن به نمونه در نظر گرفته شد و از بین آنها - به روش نمونه‌گیری هدفمند - نمونه ۲۰ نفری انتخاب شدند و فرایند نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری تداوم یافت. اشباع نظری، نقطه‌ای در تحقیقات کیفی است که نشان‌دهنده کفایت داده‌های گردآوری شده است و در واقع، گواه و مدرک جدیدی از داده‌ها حاصل نمی‌شود؛ به طوری که نمونه‌ها از آن پس مشابه به نظر می‌رسند (ذکایی، ۱۳۸۱). پس از انجام ۱۶ مصاحبه اولیه، داده‌های جدید مشابه مضامین استخراج شده از مصاحبه‌های قبلی بودند و مضامین جدیدی به تحلیل اضافه نشدند. برای اطمینان بیشتر، چهار مصاحبه دیگر نیز انجام شد که مضامین مکرراً در مصاحبه‌های مختلف تکرار شده‌اند و باز هم هیچ مضمون جدیدی پدیدار نشد و پژوهشگران در مصاحبه بیستم به اشباع نظری رسیدند. برای مثال: مضامین کلیدی مانند 'اهمیت به دیدگاه مراجعین' و 'تجارب درمانگری' در مصاحبه‌ها ۱۲ بار تکرار شدند و اطلاعات جدیدی از مصاحبه‌های بعدی به تحلیل اضافه نشد. این اشباع با مرور مجدد کدگذاری‌ها توسط پژوهشگران مستقل تأیید شد. به



۱۱۳

همین دلیل، پژوهشگران نتیجه گرفتند که اشباع نظری حاصل شده است. به منظور انتخاب نمونه، پژوهشگران ملاک‌های ورود و خروج تعیین کردند. ملاک‌های ورود دربرگیرنده: ۱. تمایل به همکاری داشته باشند؛ ۲. حداقل مدرک کارشناسی ارشد را دارا باشند؛ ۳. پنج سال سابقه مشاوره و روان‌درمانی داشته باشند. همچنین ملاک‌های خروج شرکت‌کنندگان از پژوهش شامل: ۱. عدم تمایل به ادامه مصاحبه؛ ۲. عدم برخورداری از معیارهای تعیین شده؛ ۳. ارائه اطلاعات غیرمرتبط و جهت‌دار و پاسخ به سؤالات به صورت مختصر است.

شیوه اجرای پژوهش

جهت گردآوری داده‌ها با مشارکت‌کنندگان به صورت تلفنی تماس گرفته شد و در مورد هدف پژوهش، میزان زمان همکاری و ابزار پژوهشی اطلاعاتی در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار داده شد. در صورت تمایل شرکت‌کننده، مکان و زمان انجام مصاحبه با شرکت‌کننده تنظیم شد. بر این اساس، در پژوهش حاضر، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته به شیوه گفت‌وگوی دو طرفه حضوری و در یک مکان عمومی همچنین مصاحبه آنلاین برای به دست آوردن داده‌های پژوهش انجام گرفته است. مدت مصاحبه با هر نفر از ۴۰ تا ۹۰ دقیقه متغیر بود. داده‌های پژوهش در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۳ جمع‌آوری شد. به منظور حفظ ملاحظات اخلاقی شرکت‌کنندگان، نام و اطلاعات هر یک از شرکت‌کنندگان حذف گردید، اجازه ضبط محتوای مصاحبه از هر یک از شرکت‌کنندگان گرفته شد، همچنین با کسب اجازه از آنها، محتوای مصاحبه برای چاپ مقاله استفاده شد. مصاحبه‌ها تا به اشباع رسیدن داده‌ها ادامه پیدا کرد. تعداد افراد نمونه از قبل مشخص نبود و مصاحبه با افراد تا جایی ادامه یافت که دیگر اطلاعات جدیدی حاصل نشد و مشارکت‌کنندگان پاسخ‌های تکراری به سؤالات مورد نظر در مصاحبه دادند.

از آنجا که ملاک انتخاب پژوهشگر برای انتخاب نمونه، سن و جنس این افراد نبود، مصاحبه‌شوندگان به صورت ناهمگون در بازه سنی ۳۲ تا ۵۵ سال و ۵ نفر مرد و ۱۵ نفر خانم انتخاب شدند که بعضی از مشاوران مرد با وجود بیان تمایل به همکاری در زمان و مکان تعیین شده برای مصاحبه حاضر نشدند یا رضایت برای ضبط محتوا نداشتند که منجر به توزیع ناهمگون جنسیتی در مشارکت‌کنندگان شد. از نظر میزان تحصیلات، ۳ نفر از این افراد دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۱۷ نفر دارای مدرک دکتری بودند که در رشته‌های مشاوره و روان‌شناسی با گرایش‌های متفاوتی تحصیل کرده بودند. با توجه به این که ملاک ورود این افراد حداقل سابقه کاری

۵ سال بود، مصاحبه‌شوندگان در بازه زمانی ۵ تا ۳۰ سال در حیطه‌های مختلف فعالیت می‌کردند. جدول شماره (۱)، اطلاعات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان را نشان می‌دهد.

جدول ۱. مشخصات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش

شماره شرکت‌کننده	سن	جنسیت	مقطع	رشته	شغل	سابقه کاری
۱	۳۹	خانم	دکتری	مشاوره	مشاوره خانواده	۵
۲	۳۳	خانم	کارشناسی ارشد	روان‌شناسی	درمانگر نوجوان	۸
۳	۳۵	آقا	دکتری	روان‌شناسی	روان‌شناس بالینی	۷
۴	۵۲	آقا	دکتری	مشاوره	مشاوره خانواده	۳۰
۵	۴۰	خانم	دکتری	روان‌شناسی	روان‌شناس بالینی	۱۲
۶	۳۸	خانم	دکتری	روان‌شناسی	روان‌درمانگر فردی	۱۰
۷	۳۲	خانم	دکتری	مشاوره	زوج‌درمانگر	۵
۸	۴۴	خانم	دکتری	مشاوره	مشاور کودک	۱۵
۹	۳۳	آقا	دکتری	مشاوره	مشاور مدرسه	۹
۱۰	۴۵	خانم	دکتری	روان‌شناسی	درمانگر فردی	۸
۱۱	۵۵	آقا	دکتری	مشاوره	مشاور فردی	۳۰
۱۲	۳۹	خانم	دکتری	روان‌شناسی	مشاور خانواده	۱۵
۱۳	۴۲	خانم	دکتری	روان‌شناسی	درمانگر کودک	۱۲
۱۴	۳۷	خانم	دکتری	روان‌شناسی	مشاور خانواده	۱۳
۱۵	۴۰	خانم	دکتری	روان‌شناسی	درمانگر کودک	۸



شماره سابقه کاری	شغل	رشته	مقطع	جنسیت	سن	شرکت کننده
۱۰	خانواده‌درمانگر	مشاوره	دکتری	خانم	۳۸	۱۶
۶	درمانگر کودک	روان‌شناسی	دکتری	خانم	۳۰	۱۷
۱۱	درمانگر نوجوان	روان‌شناسی	دکتری	خانم	۴۳	۱۸
۷	مشاور نوجوان	مشاوره	کارشناسی ارشد	خانم	۳۸	۱۹
۸	زوج درمانگر	مشاوره	کارشناسی ارشد	اقا	۳۲	۲۰

ابزار پژوهش

ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه عمیق است و سؤالات مصاحبه بر اساس هدف کلی پژوهش، ادبیات پژوهش، مطالعات انجام شده در زمینه چالش اخلاقی مشاوران و نظر متخصصان در این زمینه، در قالب سؤالات کلی و باز پاسخ طراحی شدند. ابتدا سؤالات از طریق مصاحبه با سه استاد با تجربه مورد بررسی قرار گرفت تا اطمینان حاصل شود که سؤالات جامع هستند و قابلیت جمع‌آوری اطلاعات را دارا هستند تا روایی محتوایی کافی را داشته باشند. پس از اصلاح سؤالات اولیه و تأیید متخصصان در خصوص روایی آن مورد استفاده قرار گرفتند که در ابتدا تنها راهبردهای مورد استفاده از مشاوران پرسیده شد، ولی پس از اصلاح، سؤالات کامل‌تر و گویاتری مطرح شد. دوباره مصاحبه با سه مشاور انجام شد و پاسخ‌ها مورد بررسی قرار گرفت. در نهایت، راهنمای مصاحبه تدوین شده با تأیید متخصصان مورد استفاده قرار گرفت.

سؤالات به صورت نیمه ساختار یافته است و پژوهشگر با سؤالات کلی مصاحبه را آغاز می‌کند و در ادامه، برای بررسی همه‌جانبه از سؤالات اضافی بهره می‌گیرد.

ابتدا چند سؤال اصلی و محوری مطرح شد و سپس برای پی بردن به تجربه عمیق‌تر شرکت‌کنندگان، سؤالات بیشتری پرسیده شد. بدیهی است ترتیب سؤالات برای شرکت‌کنندگان متفاوت بود و به فرایند مصاحبه و پاسخ‌های هر فرد بستگی داشت. به عبارتی، برای فهم عمیق‌تر تجارب آزمودنی‌ها - بر اساس روش سقراطی - پاسخ‌ها مبنای سؤالاتی دیگر قرار می‌گرفت. در ادامه، به منظور دستیابی به تجارب زیسته مشاوران، از چالش‌های اخلاقی و راهبردهای آن

از نظر مصاحبه‌شوندگان سؤالاتی نظیر: به نظر شما چه مواردی در زمینه ادراک مشاوران از چالش‌های اخلاقی تأثیر دارند؟ آیا شما در طی فعالیت حرفه‌ای خود به عنوان مشاور با چالش‌های اخلاقی مواجه شده‌اید؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، لطفاً با ذکر جزئیات بیان بفرمایید از چه راهبردهایی در مواجهه با این چالش‌ها استفاده کرده‌اید؟ و فکر می‌کنید مشاوران چه راهبردهایی در مواجهه با این چالش‌ها به کار می‌برند؟ پرسیده شد. در صورت بیان ناقص یا جواب کوتاه، پژوهشگر با استفاده از سؤالات بیشتری سعی کرد بیان شرکت‌کنندگان در مورد سؤال واضح و کامل شود. تحلیل داده‌های گردآوری شده به روش کالیزی انجام شد. پدیدارگرایی کالیزی شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌ها از جمله مشخص کردن جملات، استخراج مفاهیم، دسته‌بندی مفاهیم بر اساس تشابهات، پیوند نتایج برای توصیف جامع از پدیده تحت مطالعه، اعتباربخشی یا ارجاع به هر نمونه و پرسیدن درباره یافته‌هاست. برای سنجش روایی داده‌های پژوهش روش تحلیل محتوا مورد استفاده قرار گرفت. سؤالات مصاحبه را به دقت بررسی شد تا اطمینان حاصل شود که این سؤالات واقعاً مرتبط با موضوع و اهداف پژوهش هستند. برای این کار، از تحلیل محتوای ادبیات پیشین استفاده شد و سؤالاتی که طراحی شده، منعکس‌کننده مفاهیم کلیدی هستند که در پژوهش‌های قبلی مطرح شده‌اند و به خوبی به چالش‌های اخلاقی مشاوران مرتبط هستند. سپس سؤالات مصاحبه بررسی شد که آیا هر یک از این مفاهیم کلیدی در سؤالات منعکس شده است یا خیر. متن مصاحبه و کدهای استخراج شده به مشارکت کنندگان ارائه شد و آنها درباره صحت و سقم آن اظهار نظر کردند. همچنین پژوهشگر مواردی را که مبهم بود یا منظور شرکت‌کننده به درستی درک نمی‌شد، با تماس تلفنی شفاف‌سازی کرد. یکی دیگر از کارهای انجام شده در جهت اعتباریابی، متن کامل کلیه مصاحبه‌ها همراه با کدگذاری به متخصصان و استادان ارسال گردید و نظرات تأییدی و تکمیلی متخصصان در کلیه مراحل کار مورد استفاده قرار گرفت. اثبات‌پذیری به معنای ثبات پژوهش بیانگر سازگاری، منطقی بودن و پیوستگی یافته‌های پژوهش است. برای اثبات نتایج، از یک ناظر خارجی - جهت افزایش میزان ثبات پژوهش - درخواست شد.

معیار تأییدپذیری این موضوع را نشان می‌دهد که نتایج پژوهش، حاصل فرضیه‌ها و پیش‌دانسته‌های پژوهشگر نیست. تشریح کامل مراحل پژوهش - اعم از جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل - این امکان را فراهم آورد. در نهایت، در ملاک انتقال‌پذیری دیدگاه‌ها و تجارب گوناگون مشارکت‌کنندگان مختلف در مورد یک پدیده با همان اصل حداکثری تنوع سبب افزایش قابلیت انتقال‌پذیری یافته‌ها می‌شود که در این پژوهش تلاش‌هایی جهت افزایش تنوع در انتخاب



شرکت‌کنندگان صورت گرفت و با ارائه یافته‌های دقیق همراه با نقل قول‌ها و گزاره‌های مناسب، بیانگر انتقال‌پذیری پژوهش است. اعتبار‌پذیری شامل قابلیت اعتبار به معنای تلاش آگاهانه برای اطمینان از تفسیر معنی داده‌ها از نظر صحت و درستی است به منظور افزایش استحکام داده‌ها از روش‌های زیر استفاده شد: ۱. اعتبار: درگیری طولانی مدت پژوهشگران (غرق شدن در داده‌ها و مشاهده پیگیر)؛ ۲. تأییدپذیری: توافق اعضا روی مصاحبه‌ها، کدهای فرعی و اصلی؛ ۳. قابلیت اعتماد: استفاده از نظرات همکاران و مطالعه مجدد داده‌ها؛ ۴. انتقال‌پذیری ارائه نقل قول‌های مستقیم. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، پس از اخذ نظرات مشاوران مشارکت‌کننده در این پژوهش، پاسخ‌ها از سوی سه نفر از پژوهشگران (یک نفر دکترای روان‌شناسی، یک نفر دکترای مشاوره و یک نفر دانشجوی دکترای مشاوره) که بر مفاهیم، لغات و اصطلاحات حوزه مشاوره مسلط بودند، به طور جداگانه مطالعه و پس از مقایسه با همدیگر مورد توافق نهایی قرار گرفتند. ۴۷ مقوله فرعی به دست آمده از کدگذاری اولیه را به لحاظ مفهومی خلاصه و دسته‌بندی کرده و در نهایت، پنج مقوله اصلی استخراج شدند.

یافته‌ها

بر اساس تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده در پژوهش، مضامین مستخرج از مصاحبه‌ها در جدول ۲ گزارش شده است.

جدول ۲. مضامین مستخرج از مصاحبه‌ها

مقوله اصلی	مقوله فرعی	فراوانی
منابع کمک‌کننده بیرونی	اهمیت دادن به نتایج درمان	۴
	اشتراک‌گذاری تجارب همکاران	۲
	پژوهش در مسائل اخلاق حرفه‌ای	۲
	شرکت در دوره‌های بازآموزی	۳
	گذراندن دوره کارورزی	۴
	توضیح کیس محور اصول نظامنامه	۴
	اطلاع داشتن از مفاد نظامنامه	۵
اهمیت به نظر همکاران	۲	

مقوله اصلی	مقوله فرعی	فراوانی
	اهمیت به دیدگاه مراجع	۱۲
	اهمیت به دیدگاه افراد نسبت به خود	۳
	کمک گرفتن از بازخوردهای مراجع	۴
	داشتن رویکرد درمانی	۵
منابع کمک کننده درونی	اهمیت به رشد دانش و مهارت	۲
	عقل سلیم	۴
	جست و جو پاسخ چالش در نظامنامه	۵
	حفظ مرز در روابط شخصی	۲
	اصول اخلاقی شخصی	۴
	آگاهی از اصول اخلاقی حرفه‌ای	۲
	رعایت استانداردهای حرفه‌ای	۲
	ادراک فراقانونی	۳
	دریافت روان‌درمانی	۶
	تجارب درمانگری	۱۲
یادگیری مادام‌العمر اخلاقیات	۲	
عوامل کنترل‌گر درونی	بازبینی عملکرد خود بعد از جلسه	۸
	بررسی فرایند جلسات	۸
	بررسی انگیزه درمانگر شدن	۲
	بررسی عملکرد خود در فرایند جلسه	۳
	عبرت گرفتن از اشتباهات	۵
	در نظر گرفتن تبعات رسمی	۱
	خودکنترلی	۲
	اعتقادات مذهبی	۲
	ناظر دیدن خدا	۴
	زیاد شدن تردیدها	۲



مقوله اصلی	مقوله فرعی	فراوانی
	توجه به تأثیر پوشش در مشاوره	۳
	خودکاو	۳
عوامل کنترل‌گر بیرونی	پاسخگو بودن به ناظر	۲
	نظارت بیرونی	۱۲
	اهمیت به درس اخلاق حرفه‌ای	۲
	آگاهی مراجع از حقوق‌کننده خود	۶
	آشنایی با نظامنامه برای اخذ پروانه	۱۲
	نیاز به دوره‌های آموزشی	۶
تشخیص تعارضات	تعارض منافع مشاور و مراجع	۳
	تعارض اصول اخلاق حرفه‌ای با اصول سازمانی	۲
	تعارض اصول اخلاق حرفه‌ای و مسائل فرهنگی	۳
	توانایی تشخیص استثنای مفاد	۲
	تعارض اصول مطرح شده در نظامنامه با مراجع	۴
	تعارض اصول اخلاق حرفه‌ای با اصول درمانگر	۲

همان‌گونه که در جدول بالا مشاهده می‌شود، از تحلیل مصاحبه‌های شرکت‌کننده‌ها ۵ مضمون اصلی و ۴۷ مضمون فرعی به دست آمد. در ذیل هر مضمون اصلی، مضامین فرعی فهرست شده است:

الف) منابع بیرونی کمک‌کننده

اولین مقوله اصلی با عنوان منابع بیرونی کمک‌کننده شامل دوازده مقوله فرعی است که این مقوله‌ها که عبارتند از:

۱) پژوهش در مسائل اخلاق حرفه‌ای؛ زمانی که درمانگر در زمینه مسائل اخلاقی تحقیقاتی را انجام می‌دهد یا پژوهش‌هایی را در این زمینه مطالعه می‌کند نسبت به موضوعات پیشنهادی و مسائلی که باید در مواجهه با چالش اخلاقی به آن توجه کند آگاه‌تر شده و با منابع غنی‌تر به حل

چالش‌های اخلاقی می‌پردازد که مصاحبه‌شونده کُد ۱۶ این‌گونه بیان می‌کند: «توی دکتری در مورد مشاوره اخلاق محور کار کردم کار تحقیقیم بهم کمک کرده و علاقه‌ای که به پژوهش در این زمینه داشتم منو گوش به زنگ‌تر کرد».

۲) شرکت در دوره‌های بازآموزی؛ بررسی‌ها نشان داده‌اند در محیط‌هایی که به آموزش اهمیت زیادی داده نمی‌شود، مسائل اخلاقی نیز به مرور فراموش شده و افراد تنها خود را ملزم به پیروی از سیاست‌های مؤسسه‌ای و ملاحظه‌های بالینی می‌دانند. بنابراین، بایستی مشاوران همواره با شرکت در دوره‌های بازآموزی زمینه‌های ارتقای سطح تکامل اخلاقی خود را فراهم کنند. در این‌باره شرکت‌کننده کُد ۷ مطرح کرد: «کلینیکی که کار می‌کنم هرچند وقت یکبار دوره‌ای تو زمینه اخلاق حرفه‌ای می‌دارن و این اطلاعات من به روزرسانی میشه».

۳) گذراندن دوره کارورزی؛ درمانگر با گذراندن دوره‌های کارورزی با نکاتی که اساتید مطرح می‌کنند با موضوعات اخلاقی بیشتر آشنا می‌شود و این دوره‌ها سبب می‌شود درمانگر در موقعیت‌های واقعی قرار گرفته و زیر نظر ناظر در هنگام مواجهه با این چالش‌ها بهتر عمل کند. این مورد را مصاحبه‌شونده کُد ۱۰ این‌گونه بیان کرد: «دوره‌های سوپروایزری که زیر نظر اساتید متخصص گذروندم، معیار رفتار من برای تشخیص موارد اخلاقی و غیراخلاقی بودند».

۴) توضیح مورد محور اصول نظامنامه؛ یکی از منابع مهمی که هر درمانگر در مواجهه با چالش‌های اخلاقی سراغ آن می‌رود نظامنامه اخلاقی است که اگر نظامنامه به اندازه کافی جامع و مانع نباشد، باید برای حل مسئله به سراغ اصول اخلاقی رفت. این اصول برای تصمیم‌گیری درباره موضوعات اخلاقی است که همراه با یک دوراهی اخلاقی خاص هستند و نیاز است این اصول به صورت مصدق برای درمانگران توضیح داده شوند تا در صورت مواجهه با چالش اخلاقی از آنها بهره ببرند. به نظر مصاحبه‌شونده کُد ۱۹ این‌طور بیان کرد: «مثال زدن در مورد اصول اخلاقی کمک‌کنندس تا زمانیکه مثال‌های عینی نباشه خیلی متوجه اونها نمیشم».

۵) اطلاع داشتن از مفاد نظامنامه؛ مهم‌ترین وظیفه اخلاق حرفه‌ای، رشد و توسعه قوانینی مبتنی بر اخلاق در شغل مورد نظر است. در اخلاق حرفه‌ای مشاوره و روان‌شناسی، قوانین اخلاق حرفه‌ای به وسیله نظامنامه‌های اخلاقی و حرفه‌ای به اعضای نهادها یا انجمن‌های مربوطه ابلاغ می‌شود. بنابراین، اعضای تخصصی این انجمن‌ها ملزم به رعایت نظامنامه‌های اخلاقی و حرفه‌ای در حرفه خود هستند. شرکت‌کننده ۶ این‌طور گفت: «من نظامنامه رو مطالعه



کردم و یادمه قسمت‌هایی رو درباره صلاحیت‌های عمومی داشت یک قسمتی در مورد درمان و بخشی در مورد پژوهش‌ها و موارد دیگه بود».

۶) اهمیت دادن به نتایج درمان؛ زمانی که درمانگر، به عواقب درمان اهمیت می‌دهد و به‌گونه‌ای عاقبت‌اندیش است و در تصمیمات اخلاقی خود با دقت عمل می‌کند و در گزاره‌های دینی، دوراندیشی و تدبیر-پیش از هر اقدام - موجب مصونیت از آسیب‌ها و نیل به تصمیم محکم می‌شود که شرکت‌کننده کُد ۳ بیان کرد: «با توجه به مراجعینی که من دارم هر تصمیمی عواقب مثبت و منفی داره و برام مهم تصمیمات من چه تأثیری در درمان داره و چه نتایجی داره».

۷) اشتراک‌گذاری تجارب همکاران؛ در فرایند مشاوره، با وجود اصول و قواعد و فنون‌گاه مشاوران با مسائلی برخورد پیدا می‌کنند که در مورد آن صحبتی نشده و بهره‌گرفتن از تجارب همکاران در موقعیت‌های مشابه می‌تواند در حل یک چالش اخلاقی راه‌گشا باشد که شرکت‌کننده کُد ۸ گفت: «مواردی که همکارانم می‌گفتن در درک چالش‌های اخلاقی خیلی بهم کمک می‌کنه».

۸) اهمیت دادن به نظر همکاران؛ یکی از الزامات اخلاقی در مشاوره، همفکری با دیگر همکاران است و در آموزه‌های اسلامی یکی از آسیب‌های مشاوره، خودرأیی است و زمانی که مشاور به نظر تخصصی همکاران در مواجهه با چالش‌های اخلاقی توجه کند به نظر مصاحبه‌شونده ۱ کارگشاست «به همکاری به تذکر خیلی قشنگی در مورد مسئله اخلاقی‌ای که پیش اومده بود بهم داد و خود این تذکر سبب شد تا حواسم بیشتر جمع باشه».

۹) اهمیت به دیدگاه مراجع؛ زمانی که مشاور به برداشت مراجع از موقعیت توجه می‌کند و به عنوان یک منبع غنی که در چالش اخلاقی می‌تواند اطلاعات تسهیل‌کننده‌ای به مشاور دهد استفاده کند و بداند مراجع چه احساسی و افکاری در آن موقعیت داشته و اینکه فرایند مشاوره چه تأثیراتی از دید مراجع دارد، به عنوان راهبردی کمک‌کننده برای مشاور است که شرکت‌کننده کُد ۱۹ بیان کرد «از مراجع پرسیم که چرا به نظرش کارم غیراخلاقی بوده و معنای رفتار من برایش چی بوده که اونو غیراخلاقی دیده رفتار من چه طور بوده و چه اتفاقی برای مراجع من افتاده و چه طور از فعل من برداشت غیراخلاقی می‌کنه».

۱۰) اهمیت به دیدگاه افراد نسبت به خود؛ توجه به نظرات واقع‌بینانه دیگران در مورد مشاور در مواجهه با چالش‌های اخلاقی اثرگذار است و گاها دیدن شرایط از دید فردی بیرون از موقعیت

دیدگاهی به درمانگر می‌دهد تا به موضوعاتی توجه کند که پیش از آن مورد توجه او نبوده است. مصاحبه‌شونده کد ۱۲ بیان کرد «برای درمانگر مهم دیگران چه دیدگاهی بهش دارن».

۱۱) کمک گرفتن از بازخوردهای مراجع؛ درمانگر در مشاوره نقش دانای کل را ندارد و با انعطاف‌پذیری به مراجع نشان می‌دهد که در این مسیر در کنار اوست و تمام تلاش خود را برای به حداقل رساندن اشتباهات انجام می‌دهد، ولی مبرا از اشتباه نبوده و می‌تواند با کمک گرفتن از مراجع در مواجهه با چالش‌های اخلاقی بهتر عمل کند و بازخوردهای مراجع را در رویارویی با مسائل اخلاقی کمک‌کننده می‌داند. شرکت‌کننده کُد ۵ بیان کرد: «بازخوردهایی که از مراجع می‌گیرم نتیجه تصمیم رو در مورد یه مسئله اخلاقی نشون میده».

۱۲) داشتن رویکرد درمانی؛ هر رویکرد درمانی یک چارچوب مشخص و منظم برای درمان ارائه می‌دهد. این کمک می‌کند تا فرایند درمان به صورت سازمان‌یافته و هدفمند پیش برود و مراحل مختلف درمان به درستی و به ترتیب اجرا شوند و در رویکردهای مختلف به اهمیت مسائل اخلاقی و چالش‌های پیش آمده پرداخته شده و به درمانگر معیارهایی می‌دهد. این مورد را شرکت‌کننده کُد ۹ مطرح کرد «رویکردی که با آن کار می‌کنم و تحلیل تخصصی تجربه مبتنی بر نظریه و رویکرد توی فهم موضوعات اخلاقی کمک می‌کنه».

ب) منابع کمک‌کننده درونی

مقوله اصلی بعدی منابع کمک‌کننده درونی است. درون همه ما منابعی وجود دارد که پاسخی برای سؤالات را دارد و اگر از راهنمای درون خود کمک بگیریم می‌توانیم بهترین پاسخ‌ها را از آن دریافت کنیم. بعضی درمانگران از راهنمای درون آگاه نیستند و به عنوان منبع غنی در مواجهه با چالش‌های اخلاقی به آن توجه کافی را ندارند، اما این منابع همواره در دسترس است و پاسخ‌هایی متناسب با همان چالش را به ما می‌دهد. از منابع کمک‌کننده درونی می‌توانیم برای حل بسیاری از مسائل و مشکلات اخلاقی کمک بگیریم که شامل یازده مقوله زیر است:

۱) اهمیت به رشد دانش و مهارت؛ درمانگری که در پی تقویت مهارت‌های خود و به‌روزرسانی دانش و اطلاعات خود است در مواجهه با چالش‌ها از منابع علمی غنی و به‌روز می‌تواند بهره‌مند شود. گسترش روزافزون مسائل اخلاقی و قرار گرفتن مشاوران در موقعیت‌هایی که نداشتن دانش و مهارت کافی سبب سردرگمی آنها می‌شود، اهمیت این موضوع رو دوچندان



می‌کند. مصاحبه‌شونده ۱۰ این‌گونه بیان کرد «بالا بردن درک علمی خیلی مهم و من هر موقع حس میکنم توی این مورد کاستی ایجاد میکنم در لبه تیز بی اخلاقی عمل می‌کنم».

۲) عقل سلیم؛ عقل سلیم که قضاوت عقلانی، شعور متعارف یا حس عام نیز نامیده می‌شود، به معنی توانایی فهم و قضاوت منطقی موضوعات مختلف، به طور مشترک میان تمام انسان‌هاست. این عقل واقعیت را در هر جایی که باشد ادراک می‌کند. مشاور با به کارگیری این عقل نیز به یقین می‌رسد، اما نه ضرورتاً یقین مضاعف، بلکه یقینی که عقل سلیم به آن دست می‌یابد اکثراً یقین عادی است. ادراک حُسن و قُبْح و بسیاری از استدلال‌های مطرح در دین و نیز علم کلام، مانند پی بردن از نظم به ناظم و از فعل به فاعل بر اساس عقل سلیم است که شرکت‌کننده کُد ۱۹ بیان کرد «عقل سلیم فرد هم باید خیلی از مسائل جمع‌بندی کنه و مسئولین نهایی با من درمانگر هست».

۳) جست‌وجوی پاسخ چالش در نظامنامه؛ کیچنر معتقد است تصمیم‌گیری مناسب، نیاز به استقلال و قضاوت اخلاقی دارد. او به دو نوع قضاوت اخلاقی اشاره می‌کند: قضاوت شهودی و قضاوت انتقادی - ارزیابی که در نوع دوم، فرد به بررسی آگاهانه و عمیق از مسائل اخلاقی و بررسی معیارهای حرفه‌ای برای حل سریع مسئله مبنی بر اصول اخلاقی ارزش قائل است. در الگوی نُه مرحله‌ای کیچنر برای تصمیم‌گیری اخلاقی مراجعه به نظامنامه اخلاقی و استانداردهای حرفه‌ای یکی از مراحل اساسی است که به عنوان راهبرد مورد استفاده از جانب مشاوران نیز مطرح شد و مصاحبه‌شونده کُد ۱۲ این‌گونه گفت: «برای مثال، سرچ می‌کنم در مورد موضوع اخلاقی که پیش اومده ببینم توی نظام نامه در مورد اون چالش اخلاقی نظام نامه راهنمایی ای کرده».

۴) حفظ مرز در روابط شخصی؛ زمانی که مشاور یکسری حد و حدود را در روابط خود مشخص کرده باشد در زمان مواجهه با چالش‌های اخلاقی مرتبط راهبردی پیشگیرانه است و شرکت‌کننده کُد ۲ این‌گونه بیان کرد: «من معمولاً؛ چون حتی جدای از کارم خیلی مراقب حد و حدود روابطم هستم».

۵) اصول اخلاقی شخصی؛ بسیاری از افراد همواره در تلاش‌اند تا به اصول و باورهای اخلاقی خود پای‌بند بمانند و بر اساس آنها زندگی کنند، اما پایبندی مستمر به اصول اخلاقی کارچندان آسانی نیست و به همین دلیل است که مراعات این اصول کاری ارزشمند قلمداد می‌شود. پایبندی به اصل‌های اخلاقی مستلزم تمرین و تکرار است و در زوایای مختلف زندگی فرد از افکار او گرفته

تا احساسات، گفتار و کردار او بازتاب می‌یابد و برای مشاور داشتن اصول اخلاقی و رعایت آن به عنوان راهبردی کارگشا در مواجهه با چالش‌های اخلاقی است. شرکت‌کننده کُد ۱۴ بیان کرد «اصول اخلاقی درمانگر یکی از مواردی که در مواجهه با چالش‌های اخلاقی کمک‌کننده است».

۶) آگاهی از اصول اخلاقی حرفه‌ای؛ اساس بحث اخلاقی در روان‌شناسی و مشاوره، پنج اصل است: خودمختاری: طبق این اصل، مشاوران، به آزادی مراجعان در انتخاب مسیر، اتخاذ تصمیم و کنترل زندگی خود احترام می‌گذارد. نیکوکاری: کمک به پیشرفت و ارتقای بهداشت روانی فرد. عدالت: در نظر گرفتن عواملی؛ چون؛ کیفیت خدمات، تعیین زمان، مکان، حق الزحمه، دسترسی به خدمات مشاوره‌ای برای همگان است. عدم آسیب‌رسانی: عملکرد مشاور حتی به صورت سهوی، خطری برای مراجع نداشته باشد. وفاداری: یعنی صادقانه پیمان ببندند و به تعهداتشان در قبال مراجع احترام بگذارند. زمانی که درمانگر از این اصول اخلاقی اطلاع داشته باشد راهنما و راهبردی مناسب در حل مسائل اخلاقی را داراست. مصاحبه‌شونده کُد ۱۵ این‌گونه بیان کرد: «میزان آگاهی ما از اصول اخلاقی شغل و حرفه‌مون توی فهم مسائل اخلاقی راهنمای خوبی ست».



۱۲۵

۷) رعایت استانداردهای حرفه‌ای؛ روان‌درمانی - همانند دیگر بخش‌های زندگی اجتماعی - چارچوب و قواعد خاص خود را دارد. عدم توجه به قواعد و استانداردهای حرفه سبب آسیب‌های جبران‌ناپذیر به مراجع نیز می‌شود. بر این اساس، با توجه به چارچوب‌های درمانی درمانگر از آن در جهت پیشرفت سیر درمان استفاده کند. رعایت استانداردهای حرفه‌ای به عنوان راهبرد مورد استفاده مشاور در مواجهه با چالش اخلاقی تسهیل‌کننده است. شرکت‌کننده کُد ۱۲ این‌گونه گفت: «توی چالش اخلاقی درکی که من از اون موضوع دارم با توجه به اینه که استانداردهای حرفه‌ای من هم زیر سؤال نخواهد رفت».

۸) ادراک فراقانونی؛ گاهی مواردی در قوانین و اصول نظامنامه مطرح شده که در پاسخ به چالش اخلاقی مشاور را یاری نمی‌دهد و نیاز است تا روان‌درمانگر درکی فراتر از قوانین و اصول مطرح شده داشته باشد تا بهتر بتواند آن چالش را حل کند. داشتن درکی فراتر از قوانین و مواردی که صرفاً در نظامنامه آمده از نظر شرکت‌کننده کُد ۱ در مواجهه با مسائل اخلاقی کمک‌کننده است و این‌گونه بیان کرد: «از یه جایی احساس کردم باید فراتر از اون اصل عمل کنم و همه چیز توی نظامنامه و قوانین نیومده».

۹) دریافت روان‌درمانی؛ زمانی که درمانگر تحت روان‌درمانی بوده از سلامت روان نسبی برخوردار است و موقعیتی شبیه به مراجع را تجربه کرده و این تجربه سبب می‌شود درک بالاتری از مسئله و چالش اخلاقی و همچنین روش حل آن داشته باشد. برای هر درمانگر ضروری است که ابتدا خودش دوره‌های درمانی را بگذراند و - بعد از آن یا همزمان با آن - خدمات درمانی را به عنوان درمانگر ارائه دهد. مصاحبه شونده کُد ۲ این موضوع را این‌گونه مطرح کرد: «به نظرم خیلی مهم خود درمانگر تجربه تحت مشاوره بودن داشته باشه».

۱۰) تجارب درمانگری؛ مشاور زمانی می‌تواند اقدام به انجام موفقیت‌آمیز جریان مشاوره کند که از تجربه کافی برخوردار باشد و بی‌تردید، مسیری که با هر یک از مراجعین طی کرده و چالش‌ها و تجربه‌های درمانگری، راهنمای مشاور در مواجهه با چالش‌های اخلاقی خواهد بود. مصاحبه شونده کُد ۵ این‌گونه گفت: «من خیلی از این چالش‌ها رو با تجاربی که به دست آوردم، حل کردم و به مرور زمان تجارب و تبحری به دست آوردم».

۱۱) یادگیری مادام‌العمر اخلاقیات؛ اینکه مشاور به صورت دائم در پی یادگیری باشد و اطلاعات خود را به‌روز کند و - در مواجهه با چالش‌های اخلاقی - اطلاعات جدیدی به دست آورد، مهم و اثرگذار است و می‌تواند از این منابع اطلاعاتی برای درک و حل مسائل اخلاقی استفاده کند. مصاحبه‌شونده کُد ۳ بیان کرد: «همیشه دلم می‌خواست برم سر کلاس اساتید و اطلاعاتمو بالا ببرم و دائماً موضوعات بیشتری رو یاد بگیرم».

ج) عوامل کنترل‌گر درونی

این مقوله دربردارنده دوازده مورد است که عبارتند از:

۱) بازبینی عملکرد خود بعد از جلسه؛ از دیگر مواردی که به مشاور در مواجهه با چالش‌های اخلاقی کمک‌کننده است، بررسی عملکرد بعد از جلسه درمانی است. وقتی مشاور عملکرد خود را بعد از جلسه بررسی می‌کند که به بازبینی می‌انجامد، درمانگر خودنگری داشته و تصمیمات و تبعات آن را مورد ارزیابی قرار می‌دهد تا در موقعیت‌های دیگر بهتر عمل کند. مصاحبه شونده کُد ۴ این‌گونه بیان کرد: «من سعی می‌کنم بعد از جلسه ارزیابی برای هر مراجع پلن درمانی داشته باشم و بعد از هر جلسه هم فرایند اون جلسم رو بررسی می‌کنم و بررسی

می‌کنم که طبق پلن درمانی و اون اصول اخلاقی خودم پیش رفتم و عدول نکرده باشم».

۲) بررسی فرایند جلسات؛ اهمیت این موضوع به ذهن آگاهی درمانگر و هوشیاری در زمان حال در فرایند جلسه درمانی اشاره دارد و این راهبرد کمک می‌کند تا مشاور با بررسی فرایند برگزاری جلسات به مسائل اخلاقی در زمان پیش‌آمد توجه کند. مصاحبه‌شونده گُذ ۸ مطرح کرد «فرایند جلساتم رو بررسی می‌کنم و به نشانه‌های خودم و مراجع دقت می‌کنم و خودم بارها مسئله و پرونده را بررسی کردم».

۳) بررسی انگیزه درمانگر شدن؛ مشاور انگیزه‌های متفاوتی برای درمانگر شدن دارد و هر یک از این انگیزه‌ها می‌تواند اثربخشی مشاوره را کاهش دهد و مشاور را از رشد بازدارد و انگیزه‌هایی که جنبه آسیب‌شناختی شخصیتی دارند، درمانگر را وامی‌دارند تا نیازهایش را از مراجعان خود پنهان کند. زمانی که انگیزه اصلی، کمک به مراجعان باشد - در مواجهه با چالش‌های اخلاقی - وظایف خود را در این نقش به‌خوبی ایفا می‌کند و احساس مسئولیت بیشتری داشته و تلاش می‌کند بیشترین نفع را به مراجع برساند و در مسیر درمانگری گام‌های درستی بردارد. مصاحبه‌شونده گُذ ۱۹ بیان کرد: «بعضی درمانگران؛ چون مشکلاتی رو دارن میان رشته روان‌شناسی و مشاوره و اینا باید غربالگری بشه».

۴) بررسی عملکرد خود در فرایند جلسه؛ از دیگر مواردی که راهبردی راه‌گشا در مواجهه با چالش اخلاقی - از دید سه مصاحبه‌شونده - مطرح شده این است که مشاور عملکرد خود را در حین و در فرایند جلسات بررسی کند و مصاحبه‌شونده گُذ ۱ گفت: «ممکن است گاهی بدون اینکه خودم متوجه بشوم، در جلسه حرفی زدم یا کاری را کردم که برای ارضای حس کنجکاوی خودم بوده و این بررسی در جلسه سبب میشه بفهمم چی درسته و چی غلط».

۵) عبرت گرفتن از اشتباهات؛ صرف نظر از ماهیت اشتباهات، تنها نکته قطعی در مورد آنها اجتناب‌ناپذیر بودن اشتباهات است. زمانی که مشاور اشتباه را تجزیه و تحلیل کند و آنچه منجر به بروز این اشتباه شده است را شناسایی کند، گام بعدی این است که بداند چگونه در مرحله قبل آموخته‌ها را به کار بگیرد تا مطمئن شود اشتباه دوباره تکرار نمی‌شود. عبرت گرفتن از اشتباهات به این معنا نیست که دیگر اشتباه نمی‌کند، بلکه شانس وقوع اشتباهات تکراری را کاهش می‌دهد و اینکه مشاور از خطاهای خود در درمان به عنوان راهنمایی استفاده کند. مصاحبه‌شونده گُذ ۱۸ این‌گونه بیان کرد: البته، گاهی خطاهایی می‌کنیم که چراغ‌هایی میشه تا در آینده اون کارها را



نکنیم و اون اتفاقات تکرار نشه».

۶) در نظر گرفتن تبعات رسمی؛ اینکه مشاور بتواند تبعات رسمی عدم رعایت اخلاق حرفه‌ای را در نظر بگیرد، به عنوان عاملی پیشگیرانه در انجام ندادن رفتاری غیراخلاقی از جانب مشاور در مواجهه با چالش‌های اخلاقی از دید مصاحبه‌شونده گُذ ۷ مطرح شد. «اگر بی‌توجه باشه پیگیری‌هایی صورت می‌گیره برای مثال، اگر یکسری چیزها رعایت نشه پروانشون باطل میشه».

۷) خودکنترلی؛ کنترل خود، به معنای توانایی تنظیم کردن و تغییر دادن پاسخ‌ها به منظور جلوگیری از رفتارهای نامطلوب، ترغیب به رفتارهای مطلوب و دستیابی به اهداف بلندمدت است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که خودکنترلی می‌تواند برای حفظ سلامتی و بهزیستی مهم باشد و به عنوان راهبردی در هنگام رویارویی با مسائل اخلاقی می‌تواند کمک‌کننده باشد و مصاحبه‌شونده گُذ ۱۴ بیان کرد: «دیدم من اگر چیزی رو از مراجع بخوام یا به شدت به چیزی نیاز داشتم که مراجع میتونست راحت برام فراهم کنه، ولی خیلی به خودم غلبه کردم که اون کار رو از منخوام».

۸) اعتقادات مذهبی؛ برخورداری از جهان‌بینی صحیح، توانایی افراد را در روبرو شدن با چالش‌ها افزایش می‌دهد. در برخی موارد، این اعتقادات ممکن است با اصول علمی یا حرفه‌ای در تضاد باشند و در چنین شرایطی، مشاور ممکن است با چالش‌هایی در تصمیم‌گیری مواجه شود. بررسی این تضادها می‌تواند به درک عمیق‌تری از پیچیدگی‌های موجود در این زمینه کمک کند. از سوی دیگر، داشتن اعتقادات مذهبی می‌تواند به درمانگر در حل چالش‌های اخلاقی کمک کند و برای مثال، زمانی که مشاور به لزوم رعایت حق الناس معتقد است، تلاش می‌کند در مواجهه با چالش‌های اخلاقی، حقوق افراد رعایت شود و به آنها آسیبی نرسد. مصاحبه‌شونده گُذ ۱۷ مطرح کرد: «معتقدم در ازای اون تصمیم و عمل در آخرت پاسخ‌گو باشم و اون پاسخ‌گویی برای من مهمتره حتی اگر کارم به دادگاه بکشه، ولی مجبور نشم در آخرت جلوی خدا تنوم پاسخی بدم».

۹) ناظر دیدن خدا؛ یکی از موارد مؤثر در پیش‌گیری از رفتارهای نابهنجار، نظارت است. اعتقاد به نظارت خداوند، آثار متعددی دارد از جمله اینکه زمینه ترس از خداوند (ترس از مجازات و ترس از این‌که محبت و دوستی با خداوند را از دست بدهد) را فراهم می‌آورد. ایمان به نظارت خداوند سبب می‌شود تا هنگام رفتار نابهنجار، احساس شرم از خداوند انسان را فرا بگیرد. همچنین ایمان به نظارت الهی نوعی احساس آرامش روحی را در انسان به وجود می‌آورد که از پیامدهای آن ایجاد شخصیت سالم است. زمانی که مشاور خدا را ناظر بر اعمال خود ببیند سعی در انجام

مناسب‌ترین رفتارها دارد و در مواجهه با چالش اخلاقی خدا را ناظر بر خود می‌داند و تلاش می‌کند در راه رضای او گام بردارد. کُد ۹ در این باره گفت: «سعیم بر اینه که فراتر از یک مشاور و به عنوان بنده‌ای که خداوند شاهد اعمالش هست عمل کنم خدا رو ناظر میبینم».

۱۰) زیاد شدن تردیدها؛ زمانی که مشاور در مورد مسائل اخلاقی تردیدهایی داشته باشد، در صدد پاسخ و حل آنها برمی‌آید و توجه به این تردیدها کمک می‌کند تا مشاور در مواجهه با چالش‌های اخلاقی به حل و فصل این تردیدها بپردازد که مصاحبه‌شونده کُد ۷ در اینباره این‌گونه نظر داد «زمانی که تردیدها زیاد میشه متوجه میشم باید در مورد اون مسئله اخلاقی بررسی بیشتری داشته باشم».

۱۱) توجه به تأثیر پوشش در مشاوره؛ اهمیتی که مشاور به نحوه پوشش خود می‌دهد، راهبردی پیشگیرانه به حساب می‌آید و موجب می‌شود چالش‌های اخلاقی مرتبط با این مسئله پیش نیاید و آسیب‌های احتمالی در این خصوص به حداقل برسد و البته، برای مشاور و مراجع نیز فواید زیادی دارد. کُد ۴ بیان کرد: «به نظرم، پوشش من مشاور در شخصیت من مشاور بر فرایند مشاورم تأثیر می‌ذاره و رعایت نکردن یکسری موارد منجر به مشکلات اخلاقی میشه».

۱۲) خودکاو؛ توجه به خودکاو و حساب‌رسی از خود، مشاور را از غفلت می‌رهاند و خودمهارگری را تقویت می‌کند. مصاحبه‌شونده کُد ۱۰ گفت: «برام چالش شده بود توی این موقعیت چیکار کنم و توی خلوت خودم در مورد موضوعات و چالش‌های اخلاقی تأمل می‌کنم».

د) عوامل کنترل‌کننده بیرونی

مقوله اصلی مطرح شده شامل شش مورد فرعی است که عبارتند از:

۱) پاسخ‌گو بودن به ناظر؛ سوپرویزن بخش جدایی‌ناپذیر کار عملی و تمرین است. در صورتی که در کادر درمانی، سوپرویزن وجود نداشته باشد، میزان انطباق کار عملی انجام گرفته توسط افراد، با دانش روز مشخص نخواهد بود و هیچ مقیاسی برای اندازه‌گیری اثربخشی و علمی بودن این فرایند نیز وجود نخواهد داشت و عملاً حرفه روان‌شناسی به حرفه‌ای پیش پا افتاده، سطحی، و بدون نیاز به تخصص تبدیل می‌شود. در این رابطه، موضوعی که کمک می‌کند تا عملکرد درمانگر در اتاق درمان، با رویکرد نظری مورد استفاده او در هنگام ارائه خدمات مبتنی بر شواهد، درست و عملی باشد، انجام کار درمانی زیر نظر یک سوپروایزر است. این نکته آنقدر مهم



است که داشتن یک سوپروایزر، برای شخصی که کار مداخله را انجام می‌دهد، از واجب‌ترین موارد اتاق درمان بوده و به همین دلیل است که در تمامی نظام‌های روان‌شناسی جهان، یکی از موارد اساسی برای دریافت گواهینامه تأیید انجام کار درمانی بر اساس یک رویکرد نظری، داشتن برگه سوپرویزن و به امضا رساندن آن برگه توسط سوپروایزر مورد تأیید است. زمانی که مشاور نسبت به مسائل اخلاقی پیش آمده به ناظر خود پاسخ‌گو باشد این فرایند به عنوان مسیری که در ذهن مرور کرده و به جزئیات و تبعات آن دقت بیشتری می‌کند راهکاری کمک‌کننده است که مصاحبه‌شونده کد ۲۰ به آن اشاره کرد: «این که باید گزارشی به سوپروایزر بدم سبب میشه ببینم آیا روند درمانیم درست و اخلاقی بوده و همیشه منتظر واکنشی از طرف مراجعم نیستم».

۲) نظارت بیرونی؛ نظارت باید به شکلی باشد که در صورت مشاهده، خطا و انحراف در روند امور بلافاصله اقدام لازم را برای تصحیح آن به عمل آورد. نظارت از شیوه‌های بسیار مهم در اداره امور است و اگر مشاوران بدانند که عملکرد آنها مورد بازرسی و - در نهایت - بازخواست قرار خواهد گرفت در انجام وظایف و مسئولیت‌های خود دقت بیشتری می‌کنند. اگر نظارت دقیق از عملکرد درمانگران باشد کمتر دچار خطا و یا تخلف می‌شوند. در یک بازرسی و نظارت قابل قبول، نقاط مثبت و منفی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و برای نقاط منفی راه‌حل‌های عملی و قابل اجرا ارائه می‌شود، این همان چیزی است که سبب بهبود و بالا بردن بهره‌وری سازمان‌ها خواهد شد. کُد ۹ درباره این موضوع گفت: «باید متخصصی در سازمان نظام برای بررسی مباحث اخلاقی باشه و کمیته خاصی تا این موارد رو رصد بکنه».

۳) اهمیت به درس اخلاق حرفه‌ای؛ از دیگر مواردی که مشاور می‌تواند در مسائل اخلاقی از آن کمک بگیرد، اهمیت به درس اخلاق حرفه‌ای و تسلط بر مباحث این درس است که در مواجهه با چالش‌های اخلاقی از نکات مطرح شده در این درس بهره‌مند می‌شود و زمانی که به درس اخلاق حرفه‌ای اهمیت داده شود و به عنوان درس اصلی در برنامه درسی رشته مورد تأکید قرار گیرد، مشاور با اصول اخلاقی و نظامنامه آشنا شده و اساتید نیز درباره مصادیق و چالش‌ها و همچنین راهبردهای احتمالی گفت‌وگو کرده و به عنوان گزینه‌هایی در هنگام مواجهه درمانگر با چالش‌های اخلاقی تسهیلگر است. مصاحبه‌شونده کُد ۱۵ بیان کرد: «خود من اهمیتی که استاد درس مصاحبه به مباحث اخلاقی میداد سبب می‌شد بریم این موارد بخونیم و بیشتر بهش توجه کنیم و هیچ‌گاه اون موارد از ذهن من پاک نمیشه».

۴) آگاهی مراجع از حقوق خود؛ مراجع‌ه کننده دارای حقوقی است که دانستن آن کمک می‌کند

از آسیب‌هایی که ممکن است در روند مشاوره به او وارد شود، جلوگیری شود. شش مصاحبه‌شونده به این موضوع اشاره کردند که آگاهی مراجع از حقوق خود - به عنوان عاملی پیشگیرانه که مشاور در مواجهه با چالش اخلاقی مواردی را رعایت می‌کند - اثرگذار است و مصاحبه‌شونده‌گد ۱۰ بیان کرد: «یکی از کارای دیگه آگاه‌سازی مراجع که وقتی نسبت به حقوق و قوانین اطلاع داشته باشه اجازه نمیده یا بهتر بگم حواسش هست در مانگر چه کاری داره انجام میده».

۵) آشنایی با نظامنامه برای اخذ پروانه؛ نظامنامه اخلاق حرفه‌ای سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره با ارج نهادن به زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و با الهام از آموزه‌های دینی و با توجه به تنوع فرهنگ‌ها و گستردگی خدمات روان‌شناختی و مشاوره‌ای و با در نظر گرفتن دستاوردهای علمی و تخصصی روان‌شناسان و مشاوران و به منظور تأمین حقوق مراجعان و استفاده‌کنندگان از خدمات روان‌شناسی و مشاوره و برای تأمین حقوق روان‌شناسان و مشاوران و حفظ شئون حرفه‌ای و منزلت اجتماعی ایشان تدوین شده است. زمانی که مشاور با نظامنامه اخلاقی آشنایی داشته باشد و یکی از شروط اصلی برای اخذ پروانه در نظر گرفته شود، به عنوان دستورالعملی در رویارویی با مسائل اخلاقی راه‌گشا است و مصاحبه‌شونده‌گد ۹ در اینباره گفت: برای گرفتن پروانه اشتغال تخصصی سازمان نظامنامه رو مطالعه کردم».

۶) نیاز به دوره‌های آموزشی؛ هدف از آموزش‌های تخصصی و کاربردی، تربیت مشاورانی است که بتوانند بر اساس آموخته‌هایشان در محیط خود تغییراتی ایجاد کنند تا بتوانند زندگی را برای خود و دیگران آسوده‌تر سازند. این آموزش‌ها به منظور به‌سازی مشاوران در چنین شرایطی یک راهبرد اصلی تلقی می‌شود. بدلیل اینکه امروزه تغییرات با شتاب در حال انجام است، بهره‌وری به شکل فزاینده‌ای مبتنی بر دانش فنی، مهارت‌ها و توانایی‌های عقلی مشاوران آموزش‌دیده است. ارائه آموزش‌های تخصصی و کاربردی اثربخش مستلزم تفکر جدید، مدل‌ها، رویکردها و ابزارها و سازکارهای جدید است. آموزش‌های تخصصی و کاربردی اقدامی راهبردی است که در سطح فردی سبب ارزشمندی فرد، در سطح سازمانی سبب بهبود و توسعه سازمان و در سطح ملی و حتی فراملی به افزایش بهره‌وری منجر می‌شود. گد این‌گونه بیان کرد: «نیاز به آموزش‌ها و دوره‌های تخصصی هست تا ادراک اخلاقی هم نسبت به موضوعات مختلف».

ه) تشخیص تعارضات

آخرین مقوله اصلی در بردارنده شش مقوله فرعی است که این تشخیص تعارضات شامل این



موارد است:

۱) **تعارض منافع مشاور و مراجع؛** وقتی تعارضی بین دو یا چند اصل اخلاقی به وجود می‌آید، روان‌شناسان و مشاوران ضمن بررسی و ارزیابی دقیق موقعیت و راه‌حل‌های ممکن، تمام تلاش خود را برای حل تعارض مذکور به کار می‌گیرند و چنانچه تعارض حل نشود، با یادآوری تعهد خود به رعایت ضوابط اخلاق حرفه‌ای، راه حلی را بر می‌گزینند که بیشترین پیامد مثبت و کمترین پیامد منفی را برای فرد یا افرادی که از آن تأثیر می‌پذیرند، داشته باشد. زمانی که درمانگر بتواند تعارضی که بین منافع خود و مراجع است تشخیص دهد - در مواجهه با چالش اخلاقی - بهتر عمل می‌کند و مصاحبه‌شونده‌ی کُد ۱۶ بیان کرد: «موارد بین منافع مراجع و خودم دچار تعارض می‌شود که مشاور توی این مواقع چه کاری باید بکنه از سمتی صلاح مراجعش و از سمتی تهدیدی که خودش همیشه».

۲) **تعارض اصول اخلاق حرفه‌ای با اصول سازمانی؛** روان‌شناسان و مشاوران در صورتی که بین ضوابط اخلاق حرفه‌ای و مقررات سازمانی که در آن کار می‌کنند، تعارضی پیش آید، از ضوابط اخلاق حرفه‌ای پیروی می‌کنند. کُد‌های اخلاقی بخش حیاتی رشد اخلاقی‌اند، اما برای مواجهه با مسئولیت‌های اخلاقی جایگزین قوانین رسمی نمی‌شوند. در این باره کُد ۲۰ گفت: «مثلاً در مورد مصرف سیگار در دانشگاه این موضوع برای جوون و به ویژه دختر ما تابو و حتی کمیته انضباطی میاد باهاشون برخورد می‌کنه و ما با توجه به موضوع رازداری نمی‌تونیم چیزی بگیریم».

۴) **توانایی تشخیص استثنائات مفاد؛** اگر چه کُد‌های اخلاقی ممکن است در مورد کارهای اساسی توضیحاتی بدهند، ولی نمی‌توانند چگونگی آن را بگویند و این نیازمند ابتکار عمل است تا بتوان در موقعیت‌های ویژه این ضوابط را با انعطاف به کار بست. اینکه مشاور بتواند موارد استثنای نظامنامه را تشخیص داده و درست عمل کند، در مواجهه با چالش‌های اخلاقی کمک‌کننده است که کُد ۱ به آن اشاره کرد: «برای من استثنائاتی توی کار پیش اومده که گاه برای مراجع باید کاری رو انجام می‌دادم که توی نظامنامه اون تأیید نمیشده و این موارد خاصی که توی نظامنامه با توجه به منافع مراجع باید در نظر بگیریم».

۵) **تعارض اصول مطرح شده در نظامنامه با شرایط مراجع؛** روان‌شناسان و مشاوران همواره سعی و تلاش لازم را برای صیانت از شئون اخلاق حرفه‌ای و رشد و اعتدالی دانش روان‌شناسی و مشاوره مبذول می‌دارند. مصاحبه‌شونده‌ی کُد ۱۶ مطرح کرد: «بعضی مراجعین؛ چون سرشناسن نمایان مرکز به خاطر ترسی که از شناخته شدن دارن و از سمتی هم من نمیتونم برم خونه مراجع و

اینجا این چالش برام پیش اومده که فرزند اونا نیاز به کمک داره و خانواده نمیان کلینیک و اصول اخلاقی هم اجازه نمیده من تو منزل مراجع جلسه داشته باشم».

۶) تعارض اصول اخلاق حرفه‌ای با اصول اخلاقی درمانگر؛ زمانی که درمانگر بتواند تعارضی که بین اصول اخلاقی خود و اصول اخلاق حرفه‌ای وجود دارد را تشخیص دهد، در مواجهه با چالش اخلاقی، درک بهتری از موضوع و راه بهتری برای حل آن دارد و مصاحبه شونده ۱۸ این گونه گفت: «گاه بعضی اصولی که توی نظامنامه اومده با اصول اخلاقی من تناسب نداره و اینها دچار تعارض میشم و سعی می‌کنم در موقعیت بهترین تصمیم را بگیرم».

به طور کلی، تشخیص تعارضات مطرح شده از سوی مشاور به این معناست که می‌تواند با قوه تشخیص خود تعارضات موجود را درک کند و در مواجهه با چالش اخلاقی بتواند با فهم و حل این تعارضات، تصمیم مناسبی گرفته و در این فرایند دید همه‌جانبه و کامل‌تری داشته و با در نظر گرفتن موارد متعدد بهترین گزینه را برگزیند.



۱۳۳

راهنمای مواجهه با چالش‌های اخلاقی در مشاوره و روان‌درمانی

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، راهبردهای مواجهه با چالش‌های اخلاقی در مشاوره و روان‌درمانی است که نتایج نشان داد مشاوران و روان‌درمانگران راهبردهایی را شامل منابع بیرونی کمک‌کننده، منابع کمک‌کننده درونی، عوامل کنترل‌گر درونی، عوامل کنترل‌گر بیرونی و تشخیص تعارضات مطرح کردند. هرچند تا کنون تحقیقی در خصوص راهبردهای مواجهه با چالش‌های اخلاقی از دید درمانگران انجام نشده است در ادامه، هر یک از این موارد مورد بررسی قرار گرفته و پژوهش‌های مرتبط نیز بیان می‌شود.

اولین مضمون اصلی «منابع کمک‌کننده بیرونی» است که مضامین فرعی اهمیت دادن به نتایج درمان، اشتراک‌گذاری تجارب همکاران، پژوهش در مسائل اخلاق حرفه‌ای، شرکت در دوره‌های بازآموزی، گذراندن دوره کارورزی، توضیح کیس محور اصول نظامنامه، اطلاع داشتن از مفاد نظامنامه، اهمیت به نظر همکاران، اهمیت به دیدگاه مراجع، اهمیت به دیدگاه افراد نسبت به خود، کمک گرفتن از بازخوردهای مراجع و داشتن رویکرد درمانی را در برمی‌گیرد. نتایج تحقیق سهرابی و کریمی (۱۳۹۹) با عنوان «بهبود اخلاق حرفه‌ای معلمان در نظام آموزشی» نشان داد که رعایت اخلاق آموزشی تضمین‌کننده سلامت فرایند یاددهی-یادگیری در آموزش است و موجب

افزایش تعهد پاسخ‌گویی معلمان نسبت به نیازهای دانش‌آموزان می‌شود و آشنایی با اخلاق حرفه‌ای معلمان در نظام تعلیم و تربیت، در جهت بهبود و تقویت آن مهم است که همسو با این تحقیق، مشاوران هر چه بیشتر با عوامل مؤثر در ایجاد اخلاق حرفه‌ای ویژگی‌ها، الزامات، موانع موجود بر سر راه اخلاق حرفه‌ای و از همه مهم‌تر راهکارهای بهبود اخلاق حرفه‌ای خودآگاهی یابند، بهتر می‌توانند در توسعه و تقویت اخلاق حرفه‌ای خود نقش مؤثری داشته باشند.

در پژوهشی دیگر با عنوان «حقوق و اخلاق در روان‌شناسی؛ از تدوین کدهای اخلاقی تا ضمانت اجرای قانونی» به این موضوع پرداخته شده که پاسخ به پرسش‌ها و مسایل پیچیده اخلاقی از جمله مباحثی است که روان‌شناسان در فعالیتهای روزانه خود با آن روبه‌رو هستند. روان‌شناسان به هنگام رویارویی با موارد چالش‌برانگیز اغلب گزینه دیگری ندارند، جز اینکه تصمیمی اخلاقی بگیرند. حقوق و اخلاق حرفه‌ای معیار درستی و نادرستی اعمال و رفتاری است که افراد جامعه آن را انجام می‌دهند و یا از اتمام آن اجتناب می‌ورزند؛ تدوین کدهای اخلاقی اصول راهنمای حرکت در این مسیر و تصویب قوانین و مقررات حاکم بر موضوع تبیین‌کننده ضمانت اجرای حقوقی آنست. از اینرو با تمسک به قواعد حقوقی و موازن اخلاقی می‌توان به نظم و انتظام حاکم بر حرفه روان‌شناسی دست یافت و پژوهشگران خود را با دانش و بینشی آشنا سازند تا با دیدگاهی مثبت و سازنده بتوانند نارسایی‌های اخلاقی را مدیریت نمایند و با دلسوزی تمام و احساس مسؤلیت برای رفاه و آسایش مراجعین خود تلاش نمایند و با آنها رفتاری انسانی و بشردوستانه داشته باشند (تقه‌الاسلام و همکاران، ۱۳۹۰) که همسو با نتایج این تحقیق مشاوران منابع کمک‌کننده‌ای را به هنگام رو به رو شدن با چالش‌های اخلاقی بیان کردند.

با توجه به اینکه تحقیقات صورت گرفته اهمیت اخلاق حرفه‌ای و اجرایی شدن این کدهای اخلاقی را مورد بررسی قرار داده است که این مهم با توضیح کیس محور اصول نظامنامه و اطلاع داشتن از مفاد و تسلط بر این موارد و پژوهش در این زمینه و شرکت در دوره‌های بازآموزی و کارورزی از دید مشاوران که در پژوهش مشاوران به آن اشاره کردند، می‌تواند حاصل شود و در تحقیقات دیگر به اهمیت نقش و نظر همکاران و مراجعان و اهمیت داشتن رویکرد درمانی درمانگر به عنوان منابعی کمک‌کننده در مواجهه با چالش‌های اخلاقی اشاره‌ای نشده و این موارد از دید مشاوران به عنوان راهبردهایی در حل مسائل کارگشاست.

دومین مضمون به دست آمده «کمک‌کننده‌های درونی» است که شامل مضامین فرعی اهمیت به رشد دانش و مهارت، عقل سلیم، جست‌وجو پاسخ چالش در نظامنامه، حفظ مرز در

روابط شخصی، اصول اخلاقی شخصی، آگاهی از اصول اخلاقی حرفه‌ای، رعایت استانداردهای حرفه‌ای، ادراک فراقانونی، دریافت روان‌درمانی، تجارب درمانگری، یادگیری مادام‌العمر اخلاقیات می‌شود. مشاور باید پایبند به اصول اخلاقی باشد تا بتواند با اتخاذ تصمیمات اخلاقی، برای مراجعانش سودمند باشد. متخصص اخلاقی بودن نه تنها یک درک از قوانین اخلاقی را در زمینه حرفه‌ای نیازمند است، بلکه تفسیر آگاهانه آنها را برای موقعیت‌های حرفه‌ای که با آن مواجه‌اند را ملزم می‌کند. بررسی و درک ضوابط اخلاقی حرفه، موقعیت و فرصت خوبی برای شروع است، اما آن مقصد و هدف نیست. با درک ملاک‌های اخلاقی، متخصص قدم در راهی می‌گذارد که هر چه پیش می‌رود با سؤالات، ابهامات و مسائل اخلاقی تازه‌ای مواجه می‌شود که بررسی و پاسخ دادن به آنها او را به استانداردهای فراتر سوق می‌دهد (کیانی و همکاران، ۱۳۹۱) که همسو با نتایج پژوهش حاضر داشتن ادراکی فراقانونی و اهمیت به تجارب درمانگری در مواجهه با چالش‌های اخلاقی به روان‌درمانگر کمک می‌کند.

در پژوهشی دیگر، امامی (۱۳۹۱) داشتن صلاحیت حرفه‌ای را متشکل از دو مؤلفه علم و تجربه می‌داند. «عقل محوری» از دیگر صفات لازم برای مشاور در اسلام است. توجه به این نکات در گزینش مشاور و اعطای مجوز فعالیت مشاوره‌ای موجب کاهش بسیاری از ضررهای حاصل از مشاوره توسط افراد غیر صالح می‌شود و از آسیب‌رسانی به مراجع و این حرفه مقدس یاری‌رسان جلوگیری خواهد کرد. اهمیت به رشد دانش و مهارت و یادگیری مادام‌العمر اخلاقیات نیز به داشتن صلاحیت حرفه‌ای در علم و عمل و داشتن عقل سلیم به عقل محوری‌ای که در تحقیق امامی بدان اشاره شده، همسو است و افزون بر آن، این مؤلفه‌ها به عنوان راهنمایی درونی در هنگام روبه‌رو شدن مشاور با چالش اخلاقی به او کمک می‌کند تا بهترین عملکرد را داشته باشد. همچنین در بررسی میزان آگاهی از ضوابط اخلاقی در بین مشاوران و روان‌درمانگران در پژوهش کیانی (۱۳۸۷) ملاحظه شد که بسیاری از مشاوران و روان‌درمانگران مورد بررسی از میزان متوسط به بالا نسبت به ضوابط اخلاقی حرفه خود شناخت دارند که همسو با آن میزان جست‌وجوگری در نظامنامه و آگاهی از اصول اخلاق حرفه‌ای به عنوان راهبردهایی در حل چالش‌های اخلاقی از سوی مشاوران مطرح شده است. همچنین چوپانی و کرمی (۱۳۹۷) شناخت شایستگی‌های مشاوران بر اساس فرهنگ و زمینه‌های بوم‌شناختی را یکی از راهبردهای مهم در تربیت مشاوران کارآمد دانستند. شایستگی‌های مشاوران دارای ۹ بُعد شایستگی دانشی، بینشی، نگرشی، توانشی، منشی، مهارت‌ها و ویژگی‌های اخلاقی است و در تربیت مشاوران، داشتن ویژگی‌های اخلاقی



به عنوان شایستگی مطرح شده همچنین در منابع کمک‌کننده درونی داشتن مرز در روابط و اصول اخلاقی شخصی و دریافت روان‌درمانی مواردی هستند که اگر مشاور آنها را داشته باشد و دریافت کرده باشد به عنوان ودیعه‌هایی درونی در مواجهه با چالش‌ها به او کمک می‌کنند.

مضمون سوم به دست آمده «عوامل کنترل‌گر درونی» است که شامل مضامین فرعی بازبینی عملکرد خود بعد از جلسه، بررسی فرایند جلسات، بررسی انگیزه درمانگر شدن، بررسی عملکرد خود در فرایند جلسه، عبرت گرفتن از اشتباهات، در نظر گرفتن تبعات رسمی، خودکنترلی، اعتقادات مذهبی، ناظر دیدن خدا، زیاد شدن تردیدها، توجه به تأثیر پوشش در مشاوره، و خودکاوای است. رفیعی (۱۳۹۲) - در تحقیقی در رابطه با اخلاق و خودمهارگری - بیان می‌دارد که افراد یکسری قواعد اخلاقی دارند که با آن اعمال صحیح را از ناصحیح متمایز می‌سازند و دست به انتخاب‌هایی می‌زنند که این توانایی «خودمهارگری» نامیده می‌شود. افراد به رغم گرایش به خوبی‌ها، گاه باید - از میان گزینه‌های متعدد - دست به انتخاب بزنند و همسو با آن مشاوران به مواردی که در این خودمهارگری به درمانگر کمک می‌کنند، مانند خودکنترلی و داشتن اعتقادات و ناظر دیدن خداوند به عنوان عوامل کنترل‌گر و راهبردهای در حل مسائل اخلاقی اشاره کردند. همچنین مسائل اخلاقی که یک مشاور در رابطه با مراجعان می‌بایست رعایت کند در پژوهش امامی‌راد (۱۳۹۲) مورد بررسی قرار گرفت و در تأیید آن مشاوران به اهمیت پوشش مشاور نیز اشاره کردند که به عنوان راهبردی پیش‌گیرانه در مواجهه با چالش‌های اخلاقی کمک‌کننده است. همچنین در تحقیقی با عنوان «مروری نظام‌دار بر مفهوم منش‌های اخلاقی» برای پیش‌بینی رفتار اخلاقی، به بررسی آن دسته از صفات شخصیتی پرداخته شده که با رفتار اخلاقی مرتبط هستند (فضیلت‌پور و آریزی، ۱۴۰۱)، اما تحقیقی که به بررسی مواردی که می‌تواند این رفتار اخلاقی را تقویت کند، صورت نگرفت که مواردی که به عنوان عوامل کنترل‌گر درونی مانند بازبینی عملکرد خود بعد از جلسه، در فرایند جلسات، بررسی انگیزه درمانگر شدن، عبرت گرفتن از اشتباهات، در نظر گرفتن تبعات رسمی راهبردی‌ها در مواجهه با چالش اخلاقی مطرح شده می‌تواند بهبوددهنده رفتار اخلاقی و تصمیم باشند.

چهارمین مضمون «عوامل کنترل‌کننده بیرونی» است که مضامین فرعی پاسخ‌گو بودن به ناظر، نظارت بیرونی، اهمیت به درس اخلاق حرفه‌ای، آگاهی مراجع از حقوق خود، آشنایی با نظامنامه برای اخذ پروانه، نیاز به دوره‌های آموزشی را در بر می‌گیرد. سپنچی و عسگرنیا (۱۳۹۸) در تحقیق خود به شاخص‌های مراعات اخلاق حرفه‌ای پرداختند که شاخص‌های

برون سازمانی و درون سازمانی را در برمی گیرد و همسو با نتایج این تحقیق به عوامل درون سازمانی به عنوان عوامل کنترل کننده بیرونی که می تواند به عنوان راهبرد و عاملی تسهیل گر در چالش اخلاقی عمل کند، پرداخته شده است. در تحقیقی با عنوان «مؤلفه های اخلاق حرفه ای در سازمان با الگو گرفتن از مبانی دینی»، تاکید شده است که رعایت اخلاق حرفه ای در سازمان و پایبندی به آن مستلزم رعایت مؤلفه های اخلاقی مورد توجه دین است؛ زیرا در نظام دینی، انسان در قبال خود، جامعه و محیط زیست مسئول است که تمام اینها در نهایت در طول مسئولیت در مقابل خداست (محمدی و گلوردی، ۱۳۹۲).

همچنین تخلق عمومی مشاور، یعنی پایبندی او به نظام اخلاقی جامعه برای نظامنامه اکیدا ضروری است بر این پایه سنجش اخلاقمندی درمانگر به عنوان ضرورتی پیوسته امری ضروری است (صدرالحفاظی و آذربایجانی، ۱۴۰۰). ولی درباره چگونگی متخلق شدن مشاور صحبتی نشده و مواردی که می تواند به این اخلاقمند شدن کمک کند و چونان راهبردی در حل مسائل اخلاقی کمک کننده باشد، آشنایی با نظامنامه و گذراندن دوره های آموزشی و اهمیت دادن به اخلاق حرفه ای و داشتن ناظر باشد که در این تحقیق به تفصیل به آن پرداخته شد.

مضمون پنجم «تشخیص تعارضات» است که شامل مضامین فرعی تعارض منافع مشاور و مراجع، تعارض اصول اخلاق حرفه ای با اصول سازمانی، تعارض بین اصول اخلاق حرفه ای و مسائل فرهنگی، توانایی تشخیص استثنائات مفاد، تعارض اصول مطرح شده در نظامنامه با شرایط مراجع، تعارض اصول اخلاق حرفه ای با اصول اخلاقی درمانگر است. حل تعارضات اخلاقی بر پایه اخلاق فضیلت و پایه های معرفتی حاکم بر شیوه های حل تعارض های اخلاقی در یک تحقیق، موشکافی شد تا شیوه های حل تعارض اخلاقی راه را برای ارائه شیوه های دقیق تر فراهم آورد (اکبری، ۱۳۸۱). بهرامی و فرامرز قراملکی (۱۳۹۱) نیز به تحلیل مفهومی تعارضات اخلاقی پرداخته و به بیان معانی متمایز تعارض اخلاقی و دورا هه اخلاقی در دو سطح تشخیص و عمل به تکالیف اخلاقی توجه شده و به برخی موارد کاربرد تعارض در روان شناسی (تعارض انگیزه ها و اهداف) و جامعه شناسی (تعارض نقش ها و هنجارها) اشاره شده است.

در تبیین نتیجه این پژوهش می توان گفت هر فرد افزون بر زندگی خویش در قبال محیطی که در آن زندگی می کند (محیط کاری) مسئول است. فرد باید رابطه خود با محیط را با توجه به شغلی که دارد به گونه ای تنظیم کند که هم زمان با ایجاد وجدان اخلاقی و وظیفه و مسئولیت اصلی خویش در قبال دیگر افراد را به خوبی انجام دهد. هر چند اعمال مشاور در نگاه اول تنها فعالیتی



درمانی و رشد‌دهنده پنداشته می‌شود، اما عملاً شاهد پیوستگی بین اخلاق و عملکرد مشاور هستیم. مشاوران پیوسته با مشکلات اخلاقی مواجه می‌شوند و از همین رو، هنگام تصمیم‌گیری و عمل نیازمند اصول اخلاقی و دستورالعمل‌های بنیادین و توانمندی‌هایی هستند که بتوانند بر اساس آن بهترین گزینه را انتخاب کنند. منطق اخلاقی به معنای تصمیم‌گیری درباره بایدها و عمل به آنهاست که قلمرو کار مشاوران به شدت به آن وابسته است. عملکرد اخلاقی مشاور، یک فرایند پیچیده و ترکیبی از فرایندهای منطقی اخلاقی و رفتار اخلاقی است. عوامل فردی و زمینه‌ای در فرایند تصمیم‌گیری منطقی اخلاقی نقش دارند. تصمیم‌گیری منطقی به عواملی نظیر رشد اخلاقی، دانش حرفه‌ای، ارزش‌های فردی، اعتقادات، تجارب انتظارات دیگر مشاوران، خانواده، قوانین بستگی دارد. مشاوران در مشاهده، تحلیل و قضاوت در مورد مراجع از تئوری‌های مختلف و اصول اخلاقی در تصمیم‌گیری منطقی استفاده می‌کنند و مشاوران هر روز با مشکلات و چالش‌های اخلاقی مواجه می‌شوند که برای روبروشدن با آن به راهبردهایی نیاز دارند. مشاوران، روزانه مجبور به تصمیم‌گیری‌هایی بر اساس اصول اخلاقی بوده و در چنین موقعیت‌هایی نیازمند درک اخلاقی درست از آن موقعیت هستند. در واقع، مشکلات اخلاقی روایات انسانی هستند که با واژه‌های ارزشی نظیر خوبی و بدی، باید و نباید، درست و نادرست آنها را توصیف می‌کنیم. آنها پیچیده، پویا، نامطمئن و همراه با تعارضات هستند. تنگناهای اخلاقی موقعیت‌هایی هستند که مشاور مجبور به انتخاب بین دو گزینه می‌شود که در مورد درستی و نادرستی آن مطمئن نیست و قطعیتی وجود ندارد و نیازمند انتخاب بین دو گزینه نامطلوب یکسان است. در این شرایط، مشاور باید گزینه‌ای را انتخاب کند که کمترین زیان را در پی داشته باشد. موارد اخلاقی و غیراخلاقی در رقابت با یکدیگر خود را نشان می‌دهند. ادعای اخلاقی معمولاً وزن بیشتری نسبت به ادعاهای غیراخلاقی دارد و آنها بیشتر نوعی ادعاهای غیراخلاقی و نوعی علاقه فردی هستند.

گاهی تنش اخلاقی به وقوع می‌پیوندد که مشاور می‌داند عملکرد درست و انتخاب مناسب کدام است، اما قید و بندها و محدودیت‌های تعیین شده از سوی سازمان اجرای آن را غیرممکن می‌سازد. مشاوران هر روزه از مهارت تفکر انتقادی و عقل سلیم خود در پاسخ به بسیاری از این تصمیمات استفاده می‌کنند. اگر چه کدهای اخلاقی چارچوبی را برای تفکر انتقادی و آشنایی با اصول اخلاقی فراهم می‌کند، اجرای آنها در اعمال روزانه مشاوران محدود است؛ زیرا برخی از چالش‌ها موقعیتی و اغلب متأثر از عوامل متعددی است. راهنماهای اخلاقی اغلب آنقدر واضح

نیستند که مشاور تنها از روی عقاید شخصی مستدل به آن عمل کنند. برای مشاور مهم است که درک روشنی از مفاهیم مختلف، تئوری‌ها، رویکردها و اصول مورد استفاده در بحث‌های اخلاقی را به منظور تعیین و تحلیل چالش‌های اخلاقی و مشکلات مربوط به مشاوره را در قرن حاضر داشته باشد. هر چند مشاوران - به دلیل دامنه کاری وسیع خود - بارها با چالش‌های اخلاقی روبه‌رو می‌شوند، با وجود داشتن تخصص‌های مختلف در مواجهه با چالش‌های اخلاقی ناتوان هستند. مشاوران می‌توانند به‌طور مؤثر در برخورد با چالش‌های اخلاقی عمل کنند و راهبردهایی را مورد استفاده قرار دهند که در این تحقیق راهبردهایی که در مواجهه با چالش اخلاقی می‌توانند به کار ببرند مورد بررسی قرار گرفت. مهم‌ترین محدودیت این پژوهش، معطوف به جامعه محدود شرکت‌کنندگان و همکاری محدود مردان برای مشارکت در پژوهش اشاره کرد که نیاز به پژوهش‌های بیشتری است تا اطلاعات بیشتری از راهبردهای مشاوران در مواجهه با چالش‌های اخلاقی بدست آید تا دید کامل‌تری نسبت به این موضوع مورد بررسی قرار گیرد. به نظر می‌رسد بسط نتایج پژوهش حاضر می‌تواند برای مشاوران و درمانگران در مسیر درمانگری و در مواجهه با چالش‌های اخلاقی یاری‌گر باشد و پیشنهاد می‌شود بسته‌ای آموزشی جهت ارتقای راهبردهای اخلاقی در تحقیقات آینده تدوین شود. این مقاله برگرفته از رساله دکتری در رشته مشاوره در دانشگاه علامه طباطبایی تهران است. این مقاله از هیچ سازمان و ارگانی حمایت دریافت نکرده است.



۱۳۹

فهرست منابع

- اکبری، رضا. (۱۳۸۱). حل تعارضات بر پایه اخلاق فضیلت. فصلنامه دانشگاه قم، ۴(۸)، ۸۷-۹۹.
<https://doi.org/10.22091/pfk.2007.286>
- امامی‌راد، احمد. (۱۳۹۱). معیارهای گزینش مشاور در اسلام. ماهنامه معرفت، ۱۷۶(۲۱)، ۳۲-۵۰.
- امامی‌راد، احمد. (۱۳۹۲). مسائل اخلاقی در مشاوره اسلامی در رابطه با مراجعان. ماهنامه معرفت، ۱۹۲(۲۲)، ۹۵-۱۱۳.
- امیری، علی‌نقی؛ همتی، محمد؛ مبینی، مهدی. (۱۳۹۸). اخلاق حرفه‌ای؛ ضرورتی سازمانی. دوفصلنامه معرفت اخلاقی، ۱(۴)، ۱۳۷-۱۵۹.
- آذربایجانی، مسعود؛ صدرالحفاظی، علی. (۱۴۰۰). سنجش بنیان‌های روشی و شناختی نظام‌نامه اصول اخلاقی مشاوره ایالات متحده آمریکا. دوفصلنامه علمی مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۱۵(۲۹)،

۱۰۱-۸۵. <https://doi.org/10.30471/psy.2021.7125.1773>

- آرین‌پور، مهلا. (۱۳۹۴). الزامات و راهبردهای اخلاق حرفه‌ای در نظام آموزش عالی. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، ۱۱(۴)، ۱۷-۲۳. [20.1001.1.22517634.1395.11.4.3.7](https://doi.org/10.1001.1.22517634.1395.11.4.3.7)
- باقری‌فرد، محمدحسین؛ توکلی، عبدالله. (۱۴۰۲). طراحی الگوی توصیفی تصمیم‌گیری در چالش‌های اخلاقی در مدیریت با تأکید بر اخلاق کاربردی. دوفصلنامه علمی مطالعات دین، معنویت و مدیریت، ۱۰(۸)، ۲۷۹-۲۵۷. <https://doi.org/10.30471/im.2021.7127.1222>
- بنی‌هاشمی، سید علی؛ عزیزاده، حمید. (۱۳۹۵). ارزیابی و رتبه‌بندی معیارهای اخلاق حرفه‌ای و ارتباط آن با رضایت شغلی. فصلنامه اخلاق، ۱۳(۴۷)، ۱۰۳-۱۲۷. <https://doi.org/10.22081/jare.2017.45472.1009>
- بهرامی، محسن. (۱۳۹۱). تحلیل مفهومی تعارضات اخلاقی. فصلنامه اخلاق و تاریخ پزشکی، ۵(۲)، ۳۳-۳۹.
- بهرامی، محسن؛ فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۹۱). تحلیل مفهومی تعارضات اخلاقی. مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی، ۵(۲)، ۳۳-۴۴
- ثقه‌الاسلام، طاهره؛ عباسی، محمود؛ اسمایی، سیروان. (۱۳۹۰). حقوق و اخلاق در روان‌شناسی؛ از تدوین کدهای اخلاقی تا ضمانت اجرای قانونی. مجله حقوق پزشکی، ۵(۱۹)، ۴۷-۸۸.
- چوپانی، موسی؛ کریمی، مرتضی. (۱۳۹۷). معماری شایستگی‌های مشاوران مراکز مشاوره و خدمات روان‌شناسی: ارائه الگو مبتنی بر داده‌های کیفی (مطالعه موردی: مراکز مشاوره شمیم وابسته به نیروهای مسلح ج.ا.ا.). فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۳۷(۱۰)، ۱-۴۰.
- <https://doi.org/10.22054/qccpc.2019.36911.2001>
- حیدری، کاظم؛ زارعی، کمال. (۱۳۹۲). سازمان و اخلاق حرفه‌ای. ماهنامه اصلاح و تربیت، ۱۴۰(۱۱).
- خاکی سوره، سیمین؛ پوررنجانی، اسماعیل؛ مشعوف، سهیل. (۱۳۹۵). ارتباط بین رعایت آیین اخلاق حرفه‌ای با کیفیت ارائه مراقبت از دیدگاه کارکنان پرستاری. فصلنامه آموزش و اخلاق در پرستاری، ۵(۲)، ۲۴-۳۲.
- دوران، بهناز؛ مجدیان، محمد؛ میرزایی، غلامرضا. (۱۳۹۱). بررسی چالش‌های اخلاقی روان‌شناسان نظامی. فصلنامه روان‌شناسی نظامی، ۳(۹)، ۲۹-۳۸.
- ذکایی، سعید. (۱۳۸۱). نظریه و روش تحقیقات کیفی. فصلنامه علوم اجتماعی، ۹(۱۷)، ۴۱-۶۹.
- رفیعی هنر، حمید. (۱۳۹۲). اسلام، اخلاق و خودمهارگری. فصلنامه اخلاق و حیانی، ۳(۱)، ۱۴۸-۱۷۰.
- <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.23833025.1391.2.2.6.8>
- سالاری‌فر، محمدرضا. (۱۴۰۱). چالش‌های اخلاقی در مشاوره و حل آن. فصلنامه اخلاق و حیانی، ۱۱(۳)، ۱۶۴-۲۰۰. <https://doi.org/10.22034/ethics.2022.154132>
- سپنجی، امیرعبدالرضا؛ عسکرنیا، سارا. (۱۳۹۸). اخلاق حرفه‌ای در حوزه روابط عمومی و عملکردهای آن. دوفصلنامه رسانه و فرهنگ، ۱(۹)، ۱۰۹-۱۲۵.



۱۴۰

فصلنامه علمی - پژوهشی اخلاق پزشکی
سال هفتم
شماره سوم
پاییز ۱۴۰۳

سهرابی، سحر؛ کریمی، محمداصادق. (۱۳۹۹). بهبود اخلاق حرفه‌ای معلمان در نظام آموزشی. مجله پژوهش و مطالعات علوم انسانی، ۲(۱۱)، ۱۹-۲۹.

شریف‌زاده، رحمان. (۱۴۰۱). اخلاق راهنمایی پژوهش؛ چالش‌ها و کدهای اخلاقی راهنمایی پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها در ایران. پردازش و مدیریت اطلاعات، ۳۸(۳)، ۷۱۵-۷۴۴.
<https://doi.org/10.22034/jipm.2023.704396>

شفیع‌آبادی، عبدالله. (۱۳۹۴). روش‌ها و فنون مشاوره. تهران: کتاب‌فکرنو.
صدرالحفاظی، سید علی؛ آذربایجانی، مسعود. (۱۴۰۰). سنجش بنیان‌های روشی و شناختی نظام‌نامه اصول اخلاقی مشاوره ایالات متحده آمریکا. دوفصلنامه مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۲۹(۱۵)، ۱۰۱-۸۵.
<https://doi.org/10.30471/psy.2021.7125.1773>

فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۹۳). اخلاق حرفه‌ای. تهران: نشر فضیلت‌پور، مسعود؛ آریزی، محسن. (۱۴۰۱). مرور نظام‌مند بر مفهوم منش‌های اخلاقی. فصلنامه مطالعات اخلاق کاربردی، ۱(۱۲)، ۳۷-۷۲.

قاندی، یحیی؛ امیری، معصومه؛ دیبا و اجاری، مریم. (۱۳۹۲). بررسی بنیادهای نظری اخلاق حرفه‌ای به منظور پیشنهاد چارچوبی برای تدوین آیین‌نامه اخلاق حرفه‌ای معلمان. تعلیم و تربیت، ۱۱۳.

کیانی، اردشیر؛ نوایی‌نژاد، شکوه؛ احمدی، خدابخش؛ انیسی، جعفر. (۱۳۹۲). ساخت و اعتباریابی مقیاس اخلاق حرفه‌ای مشاوران و روان‌شناسان. پژوهش‌های مشاوره، ۴۹(۱۳)، ۱۰۴-۱۲۵.
محمدپور، احمد. (۱۳۹۲). روش تحقیق ضد روش، منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

محمدی، مسلم؛ گل‌وردی، مهدی. (۱۳۹۲). مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای در سازمان با الگو گرفتن از مبانی دینی. دوفصلنامه اسلام و مدیریت، ۲(۳)، ۱۶۱-۱۸۰.

وحیدی، حسن؛ شفارودی، نرگس؛ جولایی، سودابه. (۱۳۹۸). تبیین راهکارهای ارتقاء عملکرد اخلاقی از دیدگاه کاردرمانگران در حیطه اختلال عملکرد جسمی بزرگسالان. فصلنامه علمی-پژوهشی طب توانبخشی، ۱(۹)، ۲۰۹-۲۱۶.
<https://doi.org/10.22037/jrm.2019.111909.2125>

Chadwick, R. (2009). Professional ethics. In *Routledge Encyclopedia of Philosophy* (1st ed.). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780415249126-L077-1>

Werner, P. J. (2016). Moral Perception and the Contents of Experience. *Journal of Moral Philosophy*, 13(3), 294–317. <https://doi.org/10.1163/17455243-4681063>

Luke, C., Beeson, E. T., Miller, R., Field, T. A., & Jones, L. K. (2020). Counselors' perceptions of ethical considerations for integrating neuroscience with counseling. *The Professional Counselor*, 10(2), 204–219. <https://doi.org/10.15241/cl.10.2.204>

